

بخش سوم - مذاکرات با هیئت اعزامی از طرف شرکت

پس از آنکه قانون اجرای ملی شدن نفت در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین رسید و دکتر مصدق زمام امور را بدست گرفت شرکت نفت ایران و انگلیس دولت انگلستان اعتراضات شدیدی بدولت ایران کرده و قانون ملی شدن نفت را نقض یکطرفی قرارداد ۱۹۳۳ قلمداد کردند. هربرت ماریسون^۱ وزیر خارجه دولت کارگری انگلستان توسط سفیر ایران در لندن پیامی برای دکتر مصدق فرستاد و تقاضا کرد که اقدامی از طرف دولت ایران نشود تا مذاکرات بین دولت ایران و شرکت نفت دوباره شروع گردد و راه حلی برای فیصله کار پیدا شود. دکتر مصدق در جواب پیامی فرستاده و پس از ابراز علاقه به تشییع مبانی مودت بین دولتین اظهار داشت که ملت ایران میخواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده کند و جز اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مقصودی ندارد و اضافه کرد که پس از تشکیل هیئت مختلط که در قانون مقرر شده است از شرکت نفت برای ترتیب کار و اجرای قانون دعوت بعمل خواهد آمد.

روز بعد از ارسال جواب پیام وزیر خارجه انگلستان یعنی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ نماینده شرکت نفت در تهران طبق مواد قرارداد ۱۹۳۳ تقاضای ارجاع اختلاف را بدآوری کرد و داور شرکت را نیز معرفی نمود. در تاریخ ۲۸ اردیبهشت دولت امریکا بیانیه ای راجع بنفت ایران در واشنگتن منتشر کرد و در آن اظهار داشت که نگرانی عمیقی درباره اختلاف بین دولتین ایران و انگلیس پیدا کرده و بطرفین توصیه نمود که اختلاف خود را بطریق دوستانه و از راه مذاکرات حل نمایند و ضمناً اظهار داشت که شرکتهای نفت امریکا بدولت خود اظهار داشته اند که نظر با اقدام یک جانبه ای که دولت ایران بر علیه شرکت نفت ایران و انگلیس کرده آنها مایل نیستند که بهره برداری از معادن نفت ایران را بر عهده گیرند. همان روز تذکاریه ای از طرف دولت انگلیس بدولت ایران تسلیم شد که معتبر بودن قرارداد ۱۹۳۳ را مجدداً تذکر داده و اظهار داشته بود که دولت انگلیس حاضر است فوراً هیئتی را بتهران اعزام دارد تا نسبت بشرایط قرارداد جدیدی مذاکره نماید و در خاتمه متذکر شده بود که امتناع دولت ایران از آغاز مذاکره و هر اقدامی از طرف آن برای اجرای قانون اخیر بر روابط دوستانه طرفین لطمه شدید وارد خواهد نمود و عواقب بسیار وخیمی را در بر خواهد داشت.

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت وزارت دارائی جوابی بنامه نماینده شرکت مورخه ۱۷ اردیبهشت داده و در آن گفته بود که ملی کردن صنایع ناشی از حق حاکمیت ملل است و قرارداد های خصوصی بر فرض آنکه صحت آنها هم محرز باشد نمیتواند از اجرای این حق که مبتنی بر اصول مسلمة حقوق بین المللی است ممانعت کند و امر ملی کردن صنعت نفت قابل ارجاع بحکیمت نیست و ضمناً از شرکت نفت دعوت نمود که برای ترتیب کار و اجراء قانون مزبور فوراً نمایندگان خود را معرفی نماید.

در تاریخ ۳۰ اردیبهشت هم دولت ایران بدولت امریکا تذکاريه ای فرستاد و گفت که بيانيه دولت امریکا راجع بنفت ايران در محافل مربوطه ايران تاثيرات غيرمنتظر و نامطلوبی ایجاد کرده است و صلاح اندیشی دوستانه يك دولت خارجی بغير عنوان و عبارتی باشد جز مداخله در امور داخلی بچيز ديگری نمیتواند تلقی شود و تقاضا نمود که درين مورد مانند سابق روش بيطرفانه و دوستانه خود را از دست ندهد .

در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۰ دکتر مصدق مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران جراید داخلی و خارجی داشت و بآنها چنین گفت :-

« برای نجات ملت ايران که بعقیده من مقدمه لازم برای نجات دنيا از جنگ سوم جهانی است باید باین اوضاع اسف بار خاتمه داد. اینجانب و همکاران من و رجال دلسوز مملکت چاره این بیچارگی ها را در فراهم آوردن سرمایه کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت میدانند . سرمایه کافی بیکی از این دوره ممکن است فراهم شود یا بوسیله قرضه از خارج یا بوسیله عوائد ملی که مهمترین آنها عایدات سرشار نفت جنوب است . اما از حیث استقرار خارجی تاکنون مذاکرات چندین ساله ما نتیجه نرسیده است و حال آنکه عایدات نفت مال ماست و احدی نمیتواند حق ما را انکار کند . از عوائد نفت میتوانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم و بفقرو جهل و بیماری میلیون ها مردم زحمتکش این مملکت خاتمه دهیم و بعلاوه با کوتاه کردن دست شرکت سابق نفت کانون اتريک و فساد و مداخله در امور داخلی ما بهم میخورد و ایادی شرکت سابق نفت که در تمام شئون ما مداخلات نا روا مینمایند قطع خواهد شد و باین ترتیب استقلال اقتصادی و سیاسی ما تأمین خواهد گردید مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت میخواهند در دنيا عمل ملی شدن صنعت نفت را بعنوان مصادره اموال غیر قلمداد کنند و حال آنکه هرگز دولت ايران در صدد مصادره کردن اموال کسی نبوده است . دولت ايران عمل صنعت نفت را میخواهد خود بعهده گیرد و شرکت سابق نفت جز تحویل مال بصاحب مال چاره ای ندارد . البته اگر شرکت سابق دعاوی حقهای داشته باشد دولت و ملت ايران هیچوقت از احقاق حق هیچکس روگردان نبوده و نخواهد بود و پس از رسیدگی حق هر کس را خواهد پرداخت و بهمین دلیل است که در ماده دوم قانون اجراء ملی شدن صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵ درصد عایدات جاری نفت بعنوان وثیقه تعیین گردیده که در بانک مرضی الطرفین بودیعه گذاشته شود . دیگر اینکه ایادی شرکت سابق در دنيا انتشار داده اند که دولت ايران میخواهد مؤسسات نفت را من غیر حق اشغال کند و متخصصین را جواب گوید و ناچار باین ترتیب دستگاه نفت تعطیل یا متوقف خواهد شد . این ادعا کذب محض و محض کذب است زیرا دولت ايران بانهایت حزم و احتیاط بخلع ید شرکت نفت اقدام خواهد کرد و ابدأ اقدامی بعمل نخواهد آورد که در صنعت نفت کوچکترین وقفه ای حاصل شود و نیز در نظر ندارد متخصصین فنی را از شرکت بیرون کند . »

نقل قسمتهای مهم مصاحبه فوق که روز بعد در سراسر جهان منتشر گشت برای

این است که معلوم دارد دولت دکتر مصدق در آغاز کار هدف اصلی و اساسی خود را بهبود وضع اقتصادی کشور قراردادده بود. دقت در بیانات فوق واضح میدارد که در آنوقت دکتر مصدق تنها راه نجات کشور را تحصیل عایدات بیشتر و صرف آن در بالا بردن سطح زندگی مردم میدانسته و نظر واقعی او این بوده است که صنعت نفت بکار خود ادامه داده و درآمد آن که مهمترین عایدات کشور بود افزایش یابد. در آنموقع هیچوجه صحبتی مانند «اقتصاد بدون نفت» در بین نبود و بعکس تمام امیدوارها روی ادامه کار و بدست آوردن عایدی بیشتر و بهبود وضع عمومی بوده است.

در تاریخ ۶ خرداد سفارت انگلیس نامه‌ای بوزارت خارجه ایران نگاشته و اطلاع داد که چون دولت ایران تقاضای شرکت نفت را در باره ارجاع قضیه بحکیمت رد کرده است دولت انگلستان خود را ناگزیر دیده که از دیوان بین‌المللی لاهه تقاضا نماید رأی دهند که دولت ایران بسبب اختلاف خود با شرکت نفت تعهد قانونی برای رجوع بحکیمت دارد و باضافه رأی دهند که دولت ایران حق تغییر امتیازنامه را ولو اینکه از طریق وضع قانون باشد ندارد مگر از طریق توافق با شرکت. و در همان تاریخ تلگرافی از دیوان دادگستری بین‌المللی بوزارت خارجه ایران مخبره شده و اطلاع داده بود که چنین تقاضایی از طرف دولت انگلستان واصل شده است.

در تاریخ ۹ خرداد وزارت دارائی نامه‌ای بنماینده شرکت نفت در تهران ارسال و اطلاع داد که برای اجرای ماده دوم قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیئتی مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیره موقت از طرف دولت انتخاب شده که بخوزستان اعزام میشوند و هیئت مزبور دارای کلیه اختیارات لازمه برای اداره امور شرکت خواهد بود و ضمن نامه مزبور گفته شده بود که: «از آنجا که دولت میل دارد این امر مهم ملی در کمال صحت و ایتقان انجام گیرد و از تجارب و اطلاعات شرکت سابق نفت استفاده کند اگر پیشنهادهایی از طرف شما بشود که با اصل ملی شدن مابینت نداشته باشد دولت پیشنهادها را مورد توجه قرار خواهد داد.»

در تاریخ دهم خرداد مستر ترومن رئیس جمهور امریکا پیامی بدکتر مصدق فرستاده و نگرانی شدید دولت امریکا را درباره اختلاف بین ایران و انگلستان اظهار و چنین گفته بود: «من معتقدم که دولت ایران و دولت انگلستان هر دو مایلند و علاقه و اشتیاق دارند ترتیبی بدهند که این مقاصد انجام شود. این مسئله روشن است که اجرای مقاصد فقط در صورتی ممکن است که دولت ایران حاضر شود همه مسائل معوقه مورد اختلاف را بانمایندگان بریتانیای کبیر مورد مذاکره قرار دهند بدون اینکه مذاکرات را صرفاً بجزئیات فنی محدود سازند. جداً و صمیمانه امیدوارم در مجاهدتی که دولت ایران برای اجرای برنامه ملی کردن مینماید این اقدام را بوسیله مذاکرات دوستانه بعمل آورد.»

در تاریخ ۱۲ خرداد شرکت نفت آمادگی خود را برای مذاکره با دولت ایران اعلام و بوزارت دارائی اطلاع داد که بزودی نمایندگان آن از لندن به تهران خواهند آمد.

در تاریخ ۲۰ خرداد دکتر مصدق جوابی به پیام مستر ترومن رئیس جمهور امریکا داد که نکات برجسته آن بقرار زیر بود :

« افتخار دارم از وصول پیام گرامی که بوسیله جناب سفیر کبیر آنحضرت ارسال شده بود خالصانه تشکر نمایم . ملت و دولت ایران همواره کشور های متحد امریکا را دوست صمیمی و خیر خواه میدانند و باین دوستی مستظهرند . در خصوص ملی شدن صنعت نفت در ایران اطمینان داشته باشید که دولت و مجلسین ایران هم مانند آن حضرت علاقمند هستند که ازین تصمیم ملی کوچکترین لطمه ای بممالکی که تا کنون از آن استفاده کرده اند وارد نیاید لکن ازینکه نگرانی دولت کشور های متحده را بیان فرموده اید چنین استنباط میشود که مطلب کاملاً بر آن حضرت روشن نیست و بنابراین اجازه میخواهم از فرصت استفاده نموده شمه ای از سوابق قضیه و اقداماتی که اکنون در جریان است باستحضار برسانم . سالهاست که دولت شاهنشاهی ایران از رفتار شرکت سابق نفت ایران وانگلیس ناراضی بوده است و اگر دوستدار بخواهم تعدیبات آن شرکت را شرح بدهم باز که سوابق و مدارک متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه باحقیقت مطابقت نداشت و در حساب ظاهری هم سهمی که برای ملت ایران یعنی برای صاحب و مالک معادن نفت منظور میداشتند بقدری ناچیز بود که هر منصفی را تحریک میکند موجب تصدیق خاطر محترم خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است . ملت ایران این اوضاع را سالها تحمل کرد و نتیجه آن فقر و پریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است لیکن ادامه این بردباری با اوضاعی که جنگ بین المللی دوم در کشور ما بیار آورده است امکان نداشت.... از آنحضرت انصاف میخواهم آیاملت بردبار ایران که با تحمل این شداید و محرومیت های یأس آور تا کنون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیارا فراهم نیآورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست ؟ و آیا جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده از ثروت خدا داد و خاتمه دادن بکار یک شرکت بی انصاف چاره دیگری داشته است ؟ اکنون که مختصری از علل تصمیم ملی کردن صنعت نفت در ایران باستحضار رسید هر گاه بمتن قانون توجه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع این قانون از جاده حق و عدالت بهیچوجه منحرف نشده اند . این قانون بطوریکه مکرر از پشت تریبون مجلسین و در طی مصاحبه ها اعلام گردیده مصادره و تضاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیة غرامات و خسارات احتمالی را پیش بینی و تأمین نموده است و از طرف دیگر بادامه معاملات نفت باممالکی که تا کنون از منابع ایران استفاده نموده اند توجه خاص نموده و نظر مشتریان سابق را راضیاً تأمین کرده است... راجع بعمل خلع ید و تصفیة حساب با شرکت سابق که بر طبق مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیاید چون یک امر داخلی ایران است البته تصدیق می فرمائید که دولت جز با نمایندگان شرکت سابق نمیتواند بادیگری داخل مذاکره شود. دولت انگلیس وقتی می تواند اظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت بشرکت سابق از حدود حق و قانون تجاوز کند و اطمینان داشته باشید که چنین تجاوزی

نخواهد شد. ماهیچه سعی خواهد بود که روابط دوستی خود را با دولت انگلستان حفظ کنیم و هرگونه نگرانی که آن دولت از مسئله رسیدن نفت ایران بنیازمندی های انگلستان بر طبق قانون داشته باشد رفع نمائیم و با این ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامه نگرانی های دولت و ملت انگلستان در روابط خود با دولت و ملت ایران باقی نخواهد ماند. «
روز بعد پیامی دکتر مصدق بدان شجویان ایرانی مقیم خارج از کشور فرستاده و در آن هم مطالب بالا را تکرار و ضمناً چنین گفته بود :

«دولت ایران برای عملی کردن این مقاصد حاضر است که بر طبق قوانین فوق الاشعار با اولیای شرکت نفت وارد مذاکره بشود و در راه حل هر نوع مشکلات بکوشد و آنچه در عهده دارد برای حل مسالمت آمیز قضیه و آرزوی تمام ملل بخصوص مورد توضیح خاص حضرت رئیس جمهوری ممالک متحده امریکا سعی و همکاری نماید.»
در تاریخ ۲۰ خرداد هیئت مدیره موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مرکب از مهندس بازرگان و دکتر علی آبادی و مهندس بیات دفتر خود را در عمارت مرکزی شرکت درخرم شهر مستقر ساخت و اعلامیه ای صادر کرده اظهار داشت که کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی خارجی شرکت کماکان بخدمت خود باقی و از این تاریخ ببعد مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند. در همان روز هم هیئت نمایندگان اعزامی شرکت نفت بریاست مستر جاکسن^۱ برای مذاکره با دولت تهران وارد شدند.

در تاریخ ۲۲ خرداد سفیر کبیر انگلستان در تهران ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران انگلیسی و امریکایی اظهار داشت: اخیراً طی ملاقاتی که با آقای دکتر مصدق نخست وزیر بعمل آورده خاطر نشان ساختم تبلیغاتی که فعلاً در ایران علیه خارجی ها شروع شده است احتمالاً در آبادان اوضاعی را بوجود خواهد آورد که نتایج وخیمی در بر داشته باشد. دولت انگلستان همان طور که بکرات اعلام نموده دولت ایران را مسئول مال و جان اتباع خارجی در ایران میدانند و مسلماً مأمور حفظ آن ها ارتش شاهنشاهی میباشد مع الوصف ما نیز برای جلوگیری از حوادث غیر مترقبه اقدامات احتیاطی بعمل آورده ایم و فعلاً در آبهای اطراف خلیج فارس سه رزمناو و یک ناوشکن انگلیسی متوقف هستند.



مستر جاکسن

(۱) B. R. Jackson در آن وقت معاون هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس بود و از فروردین ۱۳۳۵ ریاست هیئت مدیره شرکت مزبور را عهده دار خواهد شد. با اتفاق او سه نفر دیگر از مدیران شرکت هم جزو هیئت مزبور بایران آمده بودند.

در تاریخ ۲۵ خرداد دکتر مصدق نویسنده را احضار کرده اظهار داشت که : بسیار علاقمند است قانون ملی شدن صنعت نفت بمسالمت و باموافقت شرکت نفت بموقع اجرا گذارده شود و چون شما (یعنی نویسنده) سوابق مستدی در شرکت نفت داشته و باروسای آن آشنائی دارید تقاضا دارم نهایت سعی و کوشش را بنمائید که حضرات بانظریات دولت توافقی نموده و بطرز شایسته ای قانون اجرا گردد .

نظر به سابقه و آشنائی دیرینه ای که بین دکتر مصدق و نویسنده موجود بود بحث مفصلی درین ملاقات بیش آمد که ازدوساعت تجاوز کرد و خلاصه آن را در زیر نقل میکنم : -

پس از تمجید و تحسین از جدیت ایشان در راه استیفای حق ایران و تذکر اینکه اگر واقع بینی در نظر گرفته شود توفیق کامل حاصل خواهد شد و تعهد باینکه آنچه مقدور و درخور توانائی من هست اقدام خواهیم کرد که مدیران شرکت بعمق نهضت و شدت احساسات مردم پی برده و نظریات دولت را بپذیرند از ایشان سؤال کردم که اگر توافقی با شرکت حاصل نشد و اختلاف نظر زیاد بود چه اندیشیده اند و به چه قسم میخواهند که نفت را بفروش رسانند؟ ایشان در جواب گفتند که احتیاج دنیا بنفت ایران بحدی زیاد است که اگر توافقی با شرکت حاصل نشد دیگران بانهایت سهولت آنرا خواهند خرید و اندک نگرانی ازین بابت در بین نیست . من تاحدی که ممکن بود مشکلات فروش نفت و قدرت عظیم کارتل و احتیاج بوسایل حمل و نقل دریائی و ضرورت داشتن دستگاه توزیع نفت را برای ایشان شرح دادم و گفتم که در صورت فندان وسایل مزبور باید دست کم بند و بستنی بایکی از شرکت های بزرگ نفت داشت تا بتوان نفت ایران را بفروش رسانند . ضمناً توجه ایشان را به مسائل زیر معطوف داشتم : -

اعتقاد باینکه درجه احتیاج و نیاز مندیهای انگلیسها بنفت ایران باندازه ای است که بدون کشمکش و مبارزه حاضر خواهند شد که مانند مشتریان عادی و بدون هیچگونه دخالتی نفت ما را خریده و صادر نمایند چندان بنظر صحیح نمیآید زیرا قضیه نفت تنها یک معامله ساده بازرگانی نیست و نفت خاورمیانه باندازه ای مرتبط با مسائل استراتژی و حیات اقتصادی دول ذمه لاقه میباشد که انگلستان برای اینکه انگشتی درین حلوا داشته باشد حتی از مبارزه علنی با ایران هم خودداری نخواهد کرد . در سابق تمام پنج انگشت آن درین نفت بوده و منافع هنگفتی برده و بصاحب اصلی آنهم سهم عادلانه ای نداده است ولی اکنون حاضر شده است چند انگشت خود را خارج نماید و ملی شدن را هم تصدیق کند و کلیه دارائی شرکت نفت را هم تحت شرایطی بدولت ایران واگذار کند ولی میخواهد بقیه انگشت های خود را درین ظرف حلوا نگاهدارد و بدون هیچ تردیدی آنچه در قوه دارد برای تأمین مقصود خود بکار خواهد برد . اگر شرکت نفت از محصول نفت ایران محروم گردد از حیث تحصیل نفت خام در مضیقه نخواهد بود زیرا بامختصر جدیدی میتواند محصول نفت کویت و عراق را افزایش داده و در مدت کمی کسر عمل بازرگانی خود را جبران نماید . معادن جدید نفت هم اکنون در بصره کشف شده است که با جدیت زیاد کوشش میکنند خطوط لوله ای بین بصره و «فاو» در خلیج فارس کشیده

و نفت معادن مزبور را بیازار بیاورند. در ناحیه «قطر» واقع در ساحل عربستان بمیزان استخراج افزوده اند و خط لوله بزرگی که جدیداً از معادن نفت موصل بسوریه در ساحل مدیترانه میسازند نزدیک با تمام است که آنهم موجب افزایش عمده محصول معادن مزبور خواهد بود. شرکت نفت در تمام معادن مزبور سهیم میباشد و در اندک مدتی احتیاجات نفت خام خود را تأمین خواهد کرد ولی از حیث پالایشگاه آبادان ضربت بزرگی برای آن خواهد بود. این قسمت هم موقتی خواهد بود و شاید چند سالی بیش طول نکشد زیرا شرکت های بزرگ نفت من جمله شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول ساختن پالایشگاه های متعددی در اروپا میباشد. همه کس تصدیق میکنند که امروز وضع بین المللی بانگلستان اجازه نخواهد داد که با عملیات نظامی خود ایران را از پای در آورد زیرا همه میدانند که اگر مبادرت بعملیات نظامی شود روسها هم بهانه پیدا کرده و در شمال عملیات مشابهی خواهند کرد و موازنه سیاست و اقتصاد و استراتژی خاور میانه بهم خواهد ریخت. ازین گذشته امریکا هم مانع بزرگی برای این کار خواهد بود و افکار عمومی دنیا هم دیگر چنین رویه های پوسیده را نمی پسندد. لکن انگلستان جنگ اقتصادی را شروع خواهد نمود و چون استطاعت آن از ما زیادتر است عواقب خوبی برای ما نخواهد داشت. یقین بدانید که کارمندان انگلیسی خدمت شرکت ملی نفت را قبول نخواهند کرد و صادرات نفت ما قطع خواهد شد و انگلستان بهر وسیله ای که بتواند از فروش نفت ما جلوگیری خواهد کرد. اگر کسانی باشند که تصور کنند امریکای سرمایه دار - امریکائی که منافع عظیمی در نفت خاور میانه دارد - امریکائی که شرکت های نفت آن نفوذ بسیاری در دستگاه حکومت خود دارند انگلستان را رها کرده و جانب ما را خواهد گرفت سخت در اشتباه هستند. بنظر بنده باید واقع بین بود و تمام اطراف کار را باید ملاحظه کرد.

ضمناً درین ملاقات مندرجات نامه ای را که چندی پیش بایشان نوشته و راه حلی را که منطبق با قانون اجرای ملی شدن نفت بود پیشنهاد کرده بودم شرح دادم. مفاد نامه مذکور بقرار زیر بود:

۱- شرکت نفت کرمانشاه که عملیاتش شامل معدن نفت شاه و پالایشگاه شهر کرمانشاه است بایران واگذار گردد.

۲- کلیه تأسیسات بخش در سرتاسر ایران بایران واگذار گردد.

۳- کلیه معادن نفت جنوب بانضمام خطوط لوله و تمام تأسیسات مربوط باستخراج و همچنین تأسیسات بندر معشور که فقط اختصاص بصدور نفت خام دارد بایران واگذار گردد.

۴- تأسیسات مندرجه در بند سوم را میتوان در حال حاضر بوسیله مهندسین ایرانی و اروپائینی که از طرف شرکت ملی نفت استخدام خواهند شد اداره کرد ولی استخدام یک هیئت عالی فنی برای سرپرستی از عملیات کلی مربوط باستخراج و کشف معادن جدید و تنظیم برنامه حفاری و غیره ضرورت دارد. این هیئت را ازدوطریق میتوان

استخدام نمود. اول اینکه شرکت ملی نفت اعضای آنرا مستقیماً استخدام نماید و عملیات را تحت نظر آن قرارداد دهد. دوم اینکه قرارداد فنی با شرکتی منعقد نماید که چنین هیئتی را در مقابل مبلغ معینی بایران اعزام و مسئول حسن عمل آن باشد. کنتراست مزبور را میتوان برای مدت کوتاهی منعقد نمود تا آنکه شرکت ملی نفت طی آن مدت ایرانیان را برای عهده دار شدن وظایف هیئت مزبور تربیت و مجهز نماید. چون ممکن است خریداران نفت متعذر باین شوند که اگر عمل استخراج بطرز صحیح فنی انجام نگیرد شرکت ملی نفت قادر بتحویل نفت در اوقات معین نخواهد بود اشکالی نخواهد داشت که هیئت مزبور بامشورت خریداران نفت استخدام شود تارفع این محظوظ بگردد.

۵- در قسمت پالایشگاه آبادان مشکلات زیادتر است و اداره آنرا بسه طریق میتوان انجام داد: (الف) بطور امانی که از طرف یک شرکت فنی خارجی بخرج دولت اداره شود. (ب) بطرز اجاره که پالایشگاه بشرکتی برای مدت محدودی اجاره داده شود در مقابل آن مال الاجاره ای بدولت بپردازد. (ج) که بنظر من بهترین شقوق میباشد این است که شرکت ملی نفت یک شرکت فرعی تشکیل دهد که عهده دار کلیه امور آبادان و پالایشگاه باشد. اکثریت اعضای هیئت مدیره شرکت فرعی مزبور ایرانی خواهند بود ولی عده اکی هم خارجی در آن عضویت خواهد داشت و رئیس هیئت مدیره هم باید حتماً ایرانی باشد. پس از تعیین میزان غرامتی که باید بشرکت نفت ایران و انگلیس پرداخت شرکت مزبور بهمان میزان در این شرکت فرعی سهام خواهد داشت مشروط بر اینکه از نصف سهام کمتر باشد (بسته به چانه زدن و تعیین نحوه غرامت) و در هیئت مدیره هم بهمان تناسب عضو خواهد داشت. مثلاً اگر بتوان کاری کرد که ۷۵ درصد سهام متعلق بشرکت ملی نفت و بقیه در دست شرکت خارجی باشد معامله مناسبی خواهد بود. و برای اینکه این مشارکت یک عمل دائمی نباشد قراری باید گذاشت که هر سال قسمتی از سود سهام شرکت ملی نفت اختصاص به باز خرید سهام شرکت نفت ایران و انگلیس داده شود تا بتدریج در طی چند سال کلیه سهام متعلق بشرکت ملی نفت گردد.

فوائد راه حل فوق بقرار زیر است :

- ۱- عمل استخراج و بخش بی درنگ بتصرف دولت در خواهد آمد.
- ۲- فقط در قسمت پالایشگاه یک شرکت خارجی اقلیت سهام را خواهد داشت که جلو تمام بهانه های آنها را خواهد گرفت و ضمناً قضیه غرامت را حل خواهد کرد و از معلومات فنی آنها هم استفاده کامل خواهد شد.
- ۳- پیشنهاد فوق هیچگونه مغایرتی با قانون ملی شدن نفت نخواهد داشت زیرا کنترول تمام کارهای صنعت نفت از ابتدای کار بدست دولت ایران خواهد بود و انتخاب هیئت عالی فنی برای سرپرستی استخراج نفت بامشورت خریداران و مشارکت آنها در امر پالایشگاه که هر دو موقتی خواهد بود فورمول و طریقه حلی است که راه اعتراض آنها را مسدود خواهد کرد. علاوه برین پرداخت فوری غرامت در کار نخواهد آمد و از منافع آینده بتدریج تأدیه خواهد شد.

چنانکه در بالا گفته شد پیشنهاد فوق را کتباً در تاریخ ۱۸ خرداد برای نخست وزیر فرستاده بودم و ضمن ملاقات هم بآن اشاره کرده و توضیحاتی دادم.

پس از اظهار مطالب فوق دیدم که ایشان با احاطه کاملی که بمسائل سیاسی روز دارند از قضیه معضل فروش نفت و انحصار بازارهای جهان بدست کارتل بین المللی نفت بی خبر میباشند و توجهی باین نکته مهم ندارند و استنباط کردم که مشاورین ایشان هم دقت لازم را درین باب نکرده و امکانات را بهیچوجه در نظر نگرفته اند. وضع آنروز و غلیان احساسات و قدرت فوق العاده ایشان مانع ازین بود که توجهی بمطالب من بنمایند و پس از خروج از خانه ایشان بسیار متأثر شدم که چنین شخصی مشاورین وارد بکار و مطلعی ندارد که او را از حقایق امر آگاه سازند و تهییج احساسات عمومی هم باندازه ای شدید شده که اگر کسی اندک اظهار نظری کند که بوی انتقاد از آن بیاید دچار اتهامات گوناگون خواهد شد. شرح این ملاقات را در یادداشت های روزانه خود ثبت کرده ام و اکنون که بآن مراجعه میکنم بیش از پیش متأثر میشوم که چرا امکانات در نظر گرفته نشد و بیگفته های بیغرضان توجهی نکردند و اظهارات کارشناسان خلق الساعه نفت موجب وقایع بعدی گردید. بهر حال در خانمه این ملاقات چند بار تأکید کردم که از هیئت اعزامی شرکت حداکثر استفاده را میتوان نمود زیرا افکار عامه در انگلستان با رویه گذشته شرکت توافقی ندارد و صلاح اندیشی کردم که مذاکرات با هیئت مزبور را طولانی و دامنه دار بنمایند تا مقصود و منظور دولت حاصل گردد و مخصوصاً از ایشان استدعا کردم که امکانات را در نظر گرفته و سیاست واقع بینی را منظور بدارند.

در جلسه ای که روز ۲۸ خرداد بین نمایندگان دولت و هیئت اعزامی از طرف شرکت نفت منعقد گردید پیشنهاد زیر از طرف نمایندگان شرکت تقدیم گردید و در فاصله کمی در همان جلسه بدون بحث مفصل از طرف دولت رد گردید. پیشنهاد مزبور بقرار زیر بود:-

« در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارایی روز هشتم خرداد بنمایند عمده شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده نماید و حاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافی با اصل ملی شدن نفت نباشد. اینک شرکت میخواهد بلا درنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده بدینوسیله ثابت کند که مایل است هر چه زودتر یک ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید. بنابراین هیئت نمایندگی از طرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد. این مبلغ مساعده ای خواهد بود از بابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهائی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد بود و باین تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود. همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژوئیه بیعده هر ماه مبلغ سه میلیون لیره تا وقتیکه ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم. در جلسه قبل اینجانب اظهار کردم

که ما با حفظ کامل کلیه حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان محترم طریقه رضایت بخشی پیدا کنیم که حسن اراده صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد. بنظر شرکت چنین میرسد که ممکن است بر اساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود. دارائی ایرانی شرکت بیک شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور در ازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبور را به شرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده ای مدیر ایرانی در هیئت مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد. عملیات بخش در ایران بشرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارائی موجود بآن شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت. شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آنرا بعنوان یک قدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید. ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارائی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند مورد توجه کامل قرار داده ایم. اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان این بود که از تاریخ ۲۹ اسفند شرکت بایستی مجموع درآمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرضی الطرفینی برای پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد. ما یک چنین پیشنهادی را نمی توانیم قبول کنیم. هیئت برای مذاکره بایران آمده است و بعقیده ما عنوان یک چنین تقاضائی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیر موجهی است. بعلاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شد که یک چنین تقاضائی نه از لحاظ تجارتي ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.^۱

نکته جالب دقت در باره یادداشت مزبور این بود که اولاً پیشنهاد فوق جنبه موقت را داشت و ثانیاً چنانکه تذکر داده شده بود فقط قدمی در راه پیدا کردن اساس مذاکرات آینده بود. روز بعد سفیر کبیر امریکا این نکته را ضمن نامه خود به نخست وزیر تذکر داد که متن آن بقرار زیر است:

« لازم میدانم از فرصت استفاده کرده از نقطه نظر رعایت منافع ایران مطالبی را که روز گذشته در ملاقات و مذاکرات خویش اظهار داشته ام تکرار نمایم بدین معنی که جنابعالی و مشاورینتان توجه بیشتری نسبت به پیشنهاد های اخیر انگلستان مبذول داشته تا در نتیجه از قطع رشته مذاکرات فعلی بین دولت شما و نمایندگان شرکت نفت خودداری شود. بنظر اینجانب پیشنهاد های اخیر بریتانیا از نقطه نظر اصل ملی کردن نفت اساسی برای اجرای مقاصد و تقاضای دولت ایران میباشد. ^۲

۱- نقل از صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره شانزدهم)

۲- نقل از کتاب « اسناد نفت »

روز ۲۹ خرداد وزیر خارجه انگلیس نطقی در مجلس معوثان کرده و پس از ذکر پیشنهاد های شرکت چنین اظهار داشت : « درین پیشنهاد از پرداخت پول برای رفع احتیاج ضروری ایران و همچنین قبول اصلی ملی شدن نفت و نیز مشارکت بطرز نمر بخش پیش بینی شده است و دولت انگلستان معتقد است که کلیه مردمان منصف پیشنهاد های شرکت را منصفانه و منطقی تلقی مینمایند لکن متأسفانه هیئت نمایندگی ایران فقط نیم ساعت وقت برای بررسی پیشنهاد مزبور صرف کرده و اعلام داشت که پیشنهاد شرکت با قانون ملی شدن صنعت نفت مبیانت دارد . رئیس هیئت نمایندگی شرکت در پاسخ اظهار داشت حتی اگر پیشنهاد شرکت منطبق با قانون ملی شدن نمیباشد با اصل ملی شدن که تطبیق مینماید و بلاشک با تفسیر منصفانه قانون جور در میآید . از فحوای کلام هیئت نمایندگی ایران اینطور استنباط میشود که انتظار داشتند نمایندگان شرکت بدون بحث و گفتگو کاملاً تسلیم نظر آنها بشوند و با کمال تأسف ملاحظه شد که تصمیم ایرانیها برین بود که مذاکرات قطع شود. »

روز ۳۰ خرداد نخست وزیر گزارشی در مجلس خوانده و متن پیشنهاد شرکت را با اطلاع نمایندگان رساند و گفت چون پیشنهاد مزبور کاملاً با قوانین راجع بملی شدن مبیانت داشت رد گردید و واضح است که دولت در مذاکره با نمایندگان شرکت بوظیفه قانونی خود عمل کرده و اکنون باید مستقلاً اجراء تام و تمام قانون را بپایان برساند و در خاتمه بیانات خود تقاضای رأی اعتماد کرد که از ۹۳ نفر عده حاضر به اکثریت ۹۱ رأی موافق بدولت دکتر مصدق رأی اعتماد داده شد .

روز ۲۹ خرداد تصمیماتی از طرف دولت و هیئت مختلط شرح زیر اتخاذ گردید :

۱ - تصمیمات و دستور های هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت ازین ببعده قابل اجرا نیست مگر اینکه آن تصمیمات و دستورها بامضای هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد .

۲ - مأمورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه غرب تعیین شدند (کرمانشاه) .

۳ - مأمورینی برای قسمت های مختلف شرکت سابق نفت در مرکز و فروشگاهها انتخاب شدند .

۴ - دستور داده شد که اداره اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود .

۵ - دستور داده شد که در همه جا نام شرکت سابق بنام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد .

۶ - عواید فروش نفت ازین ببعده در همه جا باید فقط بشعبات بانک ملی ایران بحساب شرکت نفت ملی ایران گذاشته شود و در صورت نبودن شعبه بانک بصندوق دارائی محل تحویل گردد .

ساعت ده بعد از ظهر روز ۲۹ خرداد نخست وزیر پیامی از رادیو بمردم ایران

فرستاد که پس از شرحی دربارهٔ نهضت ملی شدن نفت چنین گفت :

« شرکت سابق در جواب اظهار خلع ید که از طرف دولت ایران با او ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهاد هایی در زمینهٔ قانون ملی شدن صنعت نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطلب بتهران اعزام می‌دارد. دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیئت و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه پرده از روی پیشنهاد های آنها برداشته شد معلوم گردید که زبان ما را نخوابانده بفهمند. من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشتها و بیانه‌ها و مصاحبه‌ها اعلام کرده بودم که هیچ‌وجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و ارادهٔ ملت ایران است نمیتوانم قصور و مسامحه بکار برم. گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفته‌اند و راه ادامهٔ مذاکرات را بر ما بستند. بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و تأخیر و وقفه‌ای در کار روی ندهد صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط و هیئت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود. »

روز ۳۰ خرداد هیئت مدیرهٔ موقت شرکت ملی نفت ایران اعلامیه‌ای در خرمشهر صادر نموده و اظهار داشت که (الف) بموجب امر دولت کلیهٔ کارکنان شرکت اعم از ایرانی و خارجی مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند و کلیه حقوق و مزایای آنها مانند سابق از طرف شرکت ملی نفت ایران پرداخته خواهد شد. (ب) با اینکه از طرف هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران هیچگونه مانعتی برای صدور مواد نفتی نمیشود و فقط اخذ رسید از کشتیهایی که نفت تحویل میگیرند مطالبه شده است کشتیها از دادن رسید امتناع میکنند و میخواهند نفت ایران را بدون هیچگونه سندی ببرند لذا هیئت مدیره تصمیم گرفته است هر کشتی که از دادن قبض بطور مطلق خودداری کند حق حرکت ندارد.

روز چهارم تیرماه ۱۳۳۰ وزیر خارجهٔ انگلستان در مجلس مبعوثان انگلیس بیاناتی شرح زیر نمود :

« من باید بنمایندگان اطلاع دهم که پیش آمد های اخیر در قضیهٔ نفت ایران خیلی ناگوار و جدی است. هیئت مدیرهٔ موقت اصرار داشته که تمام کشتیهای نفتکش که برای بارگیری با آبادان می‌آیند باید رسیدی حاکی از تصدیق اینکه نفت متعلق بشرکت ملی نفت ایران است امضا نمایند و بکشتیهایی که از امضای این رسید استنکاف کنند یا نخواهند مطالبی بمنظور حفظ حقوق قانونی شرکت نفت اضافه کنند از طرف گمرک اجازهٔ حرکت داده نخواهد شد. کوشش نمایندگان شرکت در تعدیل این روش بجایی نرسیده است بنابراین شرکت با موافقت دولت انگلستان بتمام کشتیهای نفتکش دستور داده است که از آبادان خارج شوند و حتی اگر لازم باشد نفتی را هم که بارگیری کرده‌اند تخلیه نمایند. پیش آمد نامطلوب دیگر این است که در تاریخ ۳۰ خرداد لایحه‌ای به مجلس ایران تسلیم شد حاکی از اینکه هر کس نسبت بعملیات مربوط بنفت قصد سوئی داشته باشد و بخرابکاری از قبیل قطع لولهٔ نفت یا از کار انداختن

پالایشگاه یا وسائل نقلیه دست زنده در محاکم نظامی دادرسی شده و بمجازاتهایی
 تامجازات اعدام محکوم خواهد شد. این لایحه هنوز در مجلس تصویب نشده است.
 اگر این لایحه بصورت قانون درآمد دولت ایران گناه هر حادثه‌ای را در مناطق
 نفت خیز که از عدم شایستگی یا دخالت دیگران پیش آید برگردن کارمندان شرکت
 خواهد انداخت و آنها را بدادگاه های نظامی خواهد کشاند و در نتیجه کارمندان شرکت
 در موقعیت غیر قابل تحملی قرار خواهند گرفت. هم اکنون هیئت مدیره موقت کاغذی
 به مستردریک^۱ رئیس شرکت نوشته و گفته است. عمل وی در جلوگیری از امضای رسید
 از طرف ناخدایان کشتی صادرات نفت را فلج میکند و ازین نظر این عمل خرابکاری محسوب
 میشود. بادر نظر گرفتن این اتهام بی اساس و اولتیماتومی که بوی داده شده که امور
 شرکت را بشرکت ملی نفت ایران تحویل بدهد باموافقت دولت انگلستان بمستردریک
 دستور داده شده که به بصره برود و در آنجا همچنان ریاست امور شرکت را در ایران
 و عراق در دست بگیرد..... بلاشک ممکن است وضع وخیمی در جنوب ایران پیش آید
 که مسئولیت آن برعهده دولت ایران خواهد بود. نخست وزیر ایران و دولت وی باید
 بدانند که برطبق قوانین بین المللی مسئول حفظ جان و مال اتباع انگلیس در ایران
 میباشد و اگر نتوانند این وظیفه را انجام دهند دولت انگلستان خود آنرا بعهده خواهد
 گرفت و برای انجام این منظور وسائل لازم را بکار خواهد برد. مجلس میتواند مطمئن
 باشد که ما تهیه این کار را دیده ایم و میتوانیم سریعاً اقدام کنیم. البته مجلس انتظار
 نخواهد داشت که چگونگی این امر را بتفصیل شرح دهم ولی من میتوانم نمایندگان
 اطلاع دهم که به رزمناو «موریشوس»^۲ فرمان داده شده است که فوراً به حومه آبادان
 عزیمت نماید. ما هنوز هم مانند همیشه حاضریم در باره حل دوستانه موضوع عملیات
 آینده شرکت نفت بادولت ایران مذاکره کنیم. بعقیده ما تنها راه ادامه صادرات نفت
 ایران بی بازارهای دنیا حل این موضوع میباشد و جای بسی تأسف است اگر دولت ایران
 دست با اقداماتی زند که نتیجه غیر مطلوبی برای سعادت آینده کشور ایران بار آورد.»
 نطق فوق صراحت داشت که اگر دولت ایران در حفظ جان و مال اتباع انگلیس
 غفلتی نماید دولت انگلستان خود بدینکار اقدام خواهد نمود و جملات آخر نطق حاکی
 ازین بود که انگلستان تصمیم دارد از صدور نفت ایران جلوگیری کند مگر آنکه توافقی
 راجع بدعاوی شرکت نفت بدست آید. آژانسهای خارجی هم خبر میدادند که عده‌ای
 سرباز چتر باز انگلیسی بیایگانهای نظامی انگلیس در خاور میانه اعزام شده و برعهده
 ناوگان جنگی انگلیس در خلیج فارس هم افزوده شده است.

در همان روزی که وزیر خارجه انگلیس نطق فوق را ایراد کرد دکتر مصدق پیامی
 بکارمندان و کارگران خارجی شرکت نفت در جنوب فرستاد و گفت: «از قراریکه شنیده
 میشود صحبت استعفای دست جمعی آقایان بمیان آمده است در صورتیکه هیچگونه مجوزی

(۱) A. E. C. Drake در سال ۱۳۲۹ ریاست کل شرکت در ایران منصوب گردید.

(۲) Mauritius

برای این کار نیست و چنین اقدامی نه فقط برای دولت شاهنشاهی ایران مستلزم ضرر است بلکه برای دول مصرف کننده نفت ایران هم متضمن ضرر هنگفت خواهد بود . آقایان باید بدانند که برخلاف شایعات تحریک آمیز هیچگونه نگرانی نسبت به مال و جان و رفاه و آسایش شما قابل تصور نیست اگر شما بخواهید با صداقت و خیرخواهی فعالیت متمرکز خود را در کار نفت ادامه دهید البته کشور ما شمارا با نهایت گرمی مانند اینکه در خانه خودتان هستید خواهد پذیرفت. ۱۰

چند روز پیش از نطق وزیر خارجه انگلیس یعنی روز اول تیر ۱۳۳۰ روزنامه تایمز لندن سرمقاله مفصلی راجع بایران چاپ کرد که سیاست انگلستان را تشریح کرده بود و جمالتی چند از آن در زیر نقل میشود :-

« تا اندازه ای که میتوان قضاوت نمود همه نمایندگان مجلس مبعوثان معتقدند که در صورت لزوم باید بوسیله قشون جان کارمندان انگلیسی که در شرکت نفت کار میکنند حفظ نمود و نیز عقیده اکثریت نمایندگان و همچنین دولت برین است که نباید با عجله و شتاب آبادان را تخلیه کرد بلکه تاممکن است باید کارمندان فنی انگلیس را در آبادان نگاهداشت تا شاید روزی دولت ایران رویه مناسبی پیش گیرد . لکن باید اذعان نمود که هر قدر توقف کارمندان مزبور در آنجا طولانی تر شود خطر حمله با آنها زیادتر خواهد بود منافع انگلستان را در ایران و سایر نقاط فقط در صورتی میتوان حفظ نمود که قوه ای برای حفظ آن موجود باشد و اگر چنین نیروئی موجود نیست تنها راه این است که قراردادهائی منعقد نمود که مقبول و بنفع طرفین باشد . انتقادی که از دولت حاضر میشود این است که پس از استقلال هندوستان و پاکستان و مخالفت های مصر و سایر تغییراتی که رویداده و موجب تضعیف وضع دولت انگلیس در خاور میانه شده است چرا دولت بفوریت در صدد این بر نیامد قراردادی با ایران منعقد نماید که حفظ آن زور و نیرو نخواهد ؟ و انتقاد عمده ای که از دولت امریکا میشود این است که پس از آنکه شرکت نفت قرارداد جدیدی را پیشنهاد کرد چرا دولت مزبور بانفوذ و قدرتی که داشت از پشتیبانی آن خودداری نمود ؟ اکنون که فرصت از دست رفته و امید به حل عادلانه قضیه منتفی شده است باید یکی ازدوراه را انتخاب کرد بدین معنی که یا هرچه دولت ایران میگوید باید قبول کرد و یا آنکه متوسل بزور شده و از پایمال شدن حقوق ما جلو گیری نمود . لکن نیرو را نمی توان گاه گاه بکار برد بلکه باید بطرز مداوم و مستمر و متکی بواقعیات استعمال نمود . این اشتباه است اگر ادعا شود که با اعزام یک لشکر چتر باز همه کارها را میتوان در ایران اصلاح کرد زیرا اگر قرار باشد که لشکر مزبور بطور موقت آنجا باشد و پشت سر آنها قوای دیگری اعزام نشود بهتر این است که متوسل بقوه نشویم . اعزام سربازان انگلیسی را ایرانیان یک عمل خصمانه ای تلقی خواهند کرد و نتیجه اش این خواهد شد که یا حکومت فعلی سقوط کرده و

يك دولت توده‌ای (کومونیستی) روی کار خواهد آمد و یا ایرانیان دست پیش را گرفته و مندرجات پیمان ایران و شوروی منعقد در سال ۱۹۲۱ را بكمك خود بر میانگیزند. ماده شش پیمان مزبور میگوید که اگر دولت ایران نتواند از دخالت مسلحانه دولت دیگری جلوگیری کند شوروی حق خواهد داشت که بایران قشون آورده و بعملیات نظامی که برای دفاع ایران لازم است مبادرت نماید. البته احتمال نمیرود که چنین قدمی منتهی به زد و خورد با روسها و چنك سوم جهانی شود و لسی واضح است که اگر روسها شمال ایران را اشغال کردند انگلستان ناچار است که با پشتیبانی دول غرب جنوب ایران را اشغال نماید و در نتیجه يك مرز تازه و خطرناکی ایجاد خواهد گشت دولت حاضر اشتباهات بسیاری درین قضیه نفت مرتکب شده است که مهمترین آن فقدان مآل اندیشی بود و درین اشتباه شرکت هم دخیل بوده است. دولت همیشه تردید داشته است که آیا با دولت ایران وارد مذاکره شود یا صبر نماید تا دولت بهتری در ایران روی کار آمده و با آن مذاکره نماید. دولت در باره قبولی اصل ملی شدن خیلی دیر تصمیم گرفت. پیشنهاد شرکت هم دیر بدولت ایران تسلیم شد و پس از تسلیم هم توضیحات کافی در باره آن داده نشد. باید گفت که عذرهای دولت موجه نیست ولی با همه این مراتب عزم دولت در انتخاب راه مذاکره برای حل قضیه و امتناع از بکار بردن قوه - با معرفت باینکه قوای موجود نتیجه مطلوب را حاصل نخواهد کرد - و هم چنین رویه اخیر شرکت راه و روش خردمندانه‌ای بوده است. تصمیم راجع بآنچه در پیش است سخت تر خواهد بود چون اگر وضع ازین بدتر شود دولت باید تشخیص دهد که آیا راه مؤثر دیگری غیر از تخلیه ایران موجود است یا نه ؟

مجله «پترولیوم پرس سرویس» ۱ که در امور مربوط بنفت وارد است در شماره ماه ژوئن ۱۹۵۱ خود چنین نوشته بود :

« بندرت دیده شده است که عقیده‌ای اظهار و تعقیب گردد بدون اینکه عواقب آن در نظر گرفته شود و این عیناً همان کاری است که دولت ایران کرده است. روی امواج احساسات دکتر مصدق نفت ایران را ملی کرده و اکنون باید آنچه را با كمك الفاظ بیان کرده موجه ساخته و بموقع اجرا گذارد نخست وزیر ایران هنوز برین عقیده است که تمام بدبختی های ایران مانند ثروتمندی يك عده معدود و فقر اکثریت مردم و بی سوادی عامه و فساد ادارات تمام ناشی از عملیات شرکت نفت میباشد و بقرار معلوم او توانائی این را ندارد که مسئولیت این معایب را بدوش وضع اجتماعی ایران و غفلت‌های حکومت آن کشور بگذارد. حقیقت امر این است که دواى درد را باید در ایران جستجو کرد و اصلاح را باید از خانه خود شروع نمود. البته خیلی سهل تر است که تقصیر را بگردن بیگانگان بیاندازند زیرا چنین راه و

روشی در گذشته هم قبولیت عامه داشته و موجب شده است که عوامل مختلفی مانند هواخواهان دکتر مصدق که از دست راستیها هستند با توده‌ای های کومونیست در مخالفت با شرکت نفت همساز نماید. و قتیکه دکتر مصدق راجع بصنعت نفت صحبت میکند بیانات او راجع بصنعتی است که حتی یکدفعه هم چشم او بچنین دستگاهی نیفتاده و با وجود اینکه فقط چند صد میل تا تهران فاصله بیش ندارد ظاهراً هیچگاه او این صنعت را بازدید نکرده است. »

روز پنجم تیرماه وزیر خارجه امریکا بیانیه زیر را درباره ایران منتشر نمود :

« نگرانی من که در هفته گذشته درباره تحولات ایران اظهار نمودم با آنچه که ظرف چند روز گذشته در آنکشور بوقوع رسیده افزایش یافته است. متأسفم که اظهار دارم دولت ایران بطرز جدی در ملی کردن صنعت نفت مشغول اقدام است که پالایشگاه بزرگ آبادان را بمتوقف شدن تهدید میکند و این امر عدم ثبات وضع ایران و مشکلات اقتصادی آنرا موجب گردیده و برای مردم ایران هم اثرات سوئی در بر خواهد داشت. امریکا کراراً و علناً همدردی خود را نسبت بآمال مردم ایران برای تسلط یافتن بر منابع طبیعی خود را اظهار داشته است معیناً قویاً تأکید نموده که هر گونه تغییراتی در مناسبات بین دولت ایران و مؤسسات ذینفع انگلیس بایستی بر اساسی که موافق بامسئولیت های بین المللی هر دو کشور باشد فراهم گردد. عقیده راسخ امریکا این است که میتوان اساسی را برای موافقت پیدا کرد. بنابراین ما مایوس شدیم از اینکه پیشنهاد آخر انگلیس بایران که اصل ملی شدن را قبول نموده و نظریات پیشنهادی مساعدی را نیز در برداشت غفله و بدون مطالعه و تشخیص اینکه آیا ممکن خواهد بود آن پیشنهاد اساس مذاکرات بیشتری واقع گردد از طرف دولت ایران رد شد. محیط فعلی ایران ظاهراً طوری است که اداره کردن دستگاه وسیع تولید و تصفیه نفت را برای کارشناسان انگلیسی و یا کارشناسان هر کشور دیگری بی نهایت مشکل ساخته است. این محیط بیم و تهدید که ناشی از اقدامات عجولانه است برای اجبار همکاری در اجرای قانون ملی کردن نفت نتیجه ای در بر نخواهد داشت مگر اینکه روحیه کارمندان و بالنتیجه تمایل آنها را بماندن در ایران سخت متأثر سازد. بعلاوه وقفه فعلی که در محصولات نفتی حاصل شده وابستگی این صنعت را بوسائیل حمل و کشتیرانی و فروش در بازار های خارجی نشان میدهد. بدیهی است در صورتی که ترتیباتی سریعاً بعمل نیاید که حمل مجدد نفت را بکشتیهای نفتکش که حالیه متوقف شده اند اجازه دهد وسایل ذخیره نفت پر خواهد شد و پالایشگاه دوچار وقفه خواهد گردید. حاجت بآن نیست که نتایج و اثراتی را که این کار متضمن خواهد بود مورد تأکید قرار دهم. نظر بخطرناک بزرگی که وضع کنونی ایران در بر دارد و بنا به علاقه شدید امریکا باینکه مشاهده نماید که ملت ایران بدون در خطر انداختن اقتصادیات و جامعه خود بآمال ملی خود نائل گردد قویاً امیدوارم که ایران در اقدامات کنونی خود تجدید نظر نموده و طریقی را اتخاذ خواهد کرد که از مخاطرات خطی مشی فعلی احتراز و ادامه عمل صنعت نفت را ممکن سازد و در صورتیکه در حال حاضر حصول

توافق بريك مساعی شایسته امکان پذیر نباشد صمیمانه امیدوارم پاره‌ای ترتیبات موقتی بعمل آید که بموقعیت طرفین لطمه‌ای وارد نسازد بلکه بکارشناسان انگلیسی اجازه دهد که در ایران باقی بمانند و مسئله تولید و حمل‌نفت بدون وقفه ادامه یابد تا اینکه بعداً ترتیبات دیگر که جنبه ثابت‌تری داشته باشد فراهم گردد. ۱۷

روز پنجم تیرماه د کتر مصدق پیام زیر را برای رئیس‌جمهوری آمریکا ارسال داشت:-
« نظر بعلاقه‌ای که از طرف شخص حضرت رئیس‌جمهور نسبت بمصالح کشور ما عموماً ونسبت بمسئله نفت خصوصاً ابراز شده وحتى در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۱ (۱۲ خرداد ۱۳۳۰) شخصاً پیامی باینجانب فرستاده اند لازم میدانم بار دیگر باستحضار خاطر عالی برسانم که دولت شاهنشاهی ایران برحسب وظیفه‌ای که از طرف مجلس شورایی ملی و سنا باو محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور و طرز اجرای آنرا در اسرع اوقات بموقع اجرا بگذارد. با اینهمه بعلت لزوم اقدامات اولیه از طرفی و برای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگر عمل اجرا بانهایت احتیاط و بتدریج آغاز گردید تا فرصت باقی برای مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد. دولت شاهنشاهی با کمال صداقت حاضر بود ازین فرصت حداغلائی استفاده بشود. مخصوصاً بر اثر پیام آنحضرت و وساطت دوستانه جناب سفیر کبیر آمریکا باین موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و باتقاضای شرکت سابق راجع بتمدید مهلت برای شروع مذاکرات موافقت کرد و بدین ترتیب یکماه ونیم ازوضع قانون گذشت. دولت ایران قبلاً و کراً اعلام کرده بود که در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت وقانون طرز اجرای آن میتواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حضارست در مسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتمله شرکت سابق و فروش نفت بخریداران سابق وامثال آن با کمال میل مذاکره نماید و ازین لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت را بتهران حسن استقبال کرد و مغتنم شمرد ولی با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی برخلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند که دولت نتوانست بمذاکرات ادامه دهد. دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد بهره‌عنوان که باشد نگذارد در بهره‌برداری و فروش نفت بخریداران سابق حتی يك روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمود که حضارست کارمندان و کارشناسان و کارگران خارجی را با همان مزایا و حقوق و همچنین حقوق تقاعد استخدام کند و وسائل هرگونه تشویق آنان را فراهم آورد و بترکیب و ترتیب تأسیسات شرکت سابق دست نزنند و مقررات شرکت سابق را تا آنجا که باقانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد ولی بانهایت تأسف مشهود میگردد که اولیاء شرکت سابق شروع بعملیاتی نموده که ناچار در صادرات نفت وقفه خواهد نمود بدینمعنی که:

اولاً - کارمندان را بترك محل خدمت تشویق و دولت را باستعفای دسته‌جمعی آنان

تهدید میکنند.

ثانیاً - کشتیهای حامل مواد نفتی را وادار میکنند از دادن رسید بهیئت مدیره شرکت ملی نفت خودداری نمایند. گرچه ملت ایران برای انجام مقصود خود را برای هرگونه محرومیت آماده کرده است با اینحال تردید ندارد که خوابیدن دستگاه بهره برداری تنها بضرر ما نیست بلکه بضرر انگلستان و کلیه دولتی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده میکنند تمام میشود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عاقبت وخیم را متذکر باشند. بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتیکه در نتیجه دست از کار کشیدن دسته جمعی کارمندان انگلیسی یا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی بعلت ندادن رسید و قفهای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تأسف است و درینصورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت خواهند بود. این نکته را نیز لازم است متذکر شود که با وجود ابراز احساسات ملی در ایران بهیچوجه خطری نسبت بامنیت جانی و مالی اتباع انگلیس متوجه نیست و انتشار اینگونه اخبار بی اساس از طرف عمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت سابق مطابق انتظار دولت ایران رفتار کند ابداً جای نگرانی نیست و دولت شاهنشاهی کاملاً بر اوضاع مسلط است. نظر باینکه بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجاء واثق هست که هیچوقت کوچکترین خللی باین حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند امریکائی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری های آن ملت نیک نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است لذا لازم دانستم خاطر آنحضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولتهای آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا درین موضوع مهم از معاضدت بآمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد. در خاتمه احترامات فائقه و ادعیه خالصانه و خیرخواهانه خود را تقدیم میدارد. ۱۰

پیام فوق طرز تفکر دکتر مصدق را در آنوقت و همچنین چند نکته مهم دیگر را واضح میسازد. اول آنکه دکتر مصدق حاضر نبود بغیر از قضیه غرامت و فروش نفت مذاکره دیگری با شرکت نفت بنماید و رد فوری پیشنهاد شرکت هم روی همین فکر بود. دوم اینکه او سعی داشت بدنیا و بخصوص امریکاییان بگوید که دولت ایران باعث متوقف شدن صدور نفت نبوده است زیرا در آنوقت جنگ کره با شدت جریان داشت و قسمتی از احتیاجات نفت ارتشهای غربی را ایران میداد و لذا دکتر مصدق سعی بود نگذارد انگلیسها از متوقف شدن صدور نفت پیراهن عثمانی ساخته وافکار امریکاییان را مشوب سازند. سوم اینکه با وسائل مختلف دولت کوشش میکرد ثابت نماید که امنیت کامل برای اتباع انگلیس در ایران فراهم میباشد.

تبلیغاتی که در جراید جهان در باب فقدان امنیت در ایران میشد ناشی از دو علت بود. یکی آنکه موقع ورود نمایندگان هیئت مختلط بخوزستان یکی از آنها از روی بی اطلاعی و نابخستگی نطقهای بیموردی برای مردم کرد که تحریک آمیز بود و این بهانه‌ای بدست انگلیسها داد که بر علیه ایران تبلیغات نموده و اعزام چتر باز و کشتی جنگی را عنوان کنند و دیگر بیم آن میرفت که عمال کومونیستی بتحریک کارگران پرداخته حادثه‌ای ایجاد کنند تا اتباع انگلیس صدمه‌ای دیده و انگلستان به بهانه عدم امنیت بعملیات نظامی بپردازد و روس‌ها هم فرصت یافته در شمال عملیات مشابهی را انجام دهند. خوشبختانه دکتر مصدق مطلب را زود درک کرد و دستورا کید داد که نطقها و بیانات تحریک آمیز بفوریت موقوف شود و مردم را اندرز دهند که متانت و آرامش را رعایت نمایند و طرح لایحه‌ای را هم که در باب مجازات خرابکاران صنعت نفت بمجلس تقدیم داشته بود موقوف ساخت. ولی از همه مهم‌تر استنباط خردمندان‌ای بود که کارگران و کارمندان از وضع روز کرده و در تمام مدت نصایح دولت را پذیرفته و هیچگاه متانت را ازدست ندادند.

در همان ایام بحث غربی در انگلستان بین احزاب در گرفته بود و حزب محافظه کار علم مخالفت را بر ضد حزب کارگر برافراشته و تقاضا میکرد که قشون با ایران اعزام شده و منافع انگلیس را با زور طبق سنن قرنهای گذشته تأمین نماید.

روز ۲۹ خرداد مجلس مبعوثان انگلیس قضیه ایران را مطرح کرده و در باره وقایعی که درین کشور رخ داده بود بحث مفصلی در آن مجلس شد. مستر ایدن درخاتمۀ يك نطق طولانی گفته بود: « بنظر من تخلیه آبادان يك عمل خطرناکی خواهد بود و بمنزله تسلیم به زور خواهد بود. دولت عمل صحیحی کرده و جنبه قضائی آنرا بدیوان داوری لاهه رجوع کرده است. دعوا بر سر این نیست که چه کسی مالک نفت ایران میباشد زیرا هیچگاه ما تردیدی در مالکیت ایران نسبت به نفت آن نکرده ایم بلکه دعوا عبارت ازین است که آیا ایرانیان حق این را دارند که یکجانبه تأسیسات ما را تصرف نمایند. اکنون دولت تقاضای تأمین موقت از دیوان مزبور کرده است. در عین حال تا وقتیکه دیوان مزبور بقضیه رسیدگی میکند واضح است که کارکنان انگلیسی باید در ایران باقی بمانند و توقف آنها برفع ایران و انگلستان است. لکن اگر از آنها تقاضا شود که در سر کار خود باقی بمانند وظیفه حتمی دولت است که برای حفظ آنها هر گونه اقدامی که لازم باشد بنماید. دولت می تواند اطمینان داشته باشد که اقدامات مزبور از هر نوع که باشد مورد پشتیبانی ما (یعنی حزب محافظه کار) خواهد بود. » نماینده دیگری از حزب محافظه کار بنام مستر سندرز پارا فراتر گذاشته و چنین گفته بود: « من میل ندارم که استخوان لای زخم بگذارم. هر گونه اقدامی خطری را در بردارد. ولی باید بدولت تذکره‌ای بدهم که درین قضیه بخصوص اگر هم اقدامی نشود خطراتی را

ایجاد خواهد کرد و مسلم اقدام نکردن خطرش از اقدام کردن زیادتر می باشد. اگر بنا شود که ما قشون بجنوب ایران اعزام داریم شبهه ای نیست که روسها بموجب پیمانی که با ایران دارند حق خواهند داشت که قشون بشمال ایران وارد کرده و آنرا اشغال نمایند. ولی مسئله این است که اگر نکنیم پس چه باید کرد؟ اگر ما جنوب را از دست بدهیم استخراج نفت متوقف خواهد شد و درآمد دولت ایران کاسته خواهد گردید و چنانکه مسترایدن گفت یک هرج و مرج اقتصادی در آن کشور حکمفرما خواهد شد. شکی نیست که نتیجه این پیش آمد روی کار آمدن حزب توده خواهد بود که از مسکو الهام میگیرد و در واقع معنی آن این است که روسها مالک الرقاب تمام ایران خواهند شد. بنابراین خاطر نمایندگان را مستحضر میسازم که اگر ما مواجه باین وضع ناگوار شویم که یا ایران را تقسیم و یا بگذاریم که تمام آن کشور تحت سلطه روسها قرار گیرد شک نیست که تقسیم ایران ضررش کمتر خواهد بود. سیاست ما در گذشته این بوده و صحیح هم بوده است که از یک ایران آزاد و مستقلی پشتیبانی نمائیم ولی اگر بواسطه جهالت ایرانیان ما مجبور به ترک چنین سیاستی شویم مسئولیت آن متوجه انگلستان نخواهد بود. گفته میشود اگر ما مجبور شویم قشون باآبادان اعزام داریم این بهانه ای برای روسها خواهد شد که جنگ جهانی را آغاز نمایند. آنچه لازم میدانم گفته شود این است که هرگاه روسها موقعی را تشخیص دهند که مناسب برای نبرد بادنیا ی غرب باشد پیدا کردن بهانه برای آنها کار مشکلی نخواهد بود و بسهولت میتوانند چنین بهانه ای را ایجاد نمایند. بگمان من طراحان کرملین اگر موقع را مناسب تشخیص ندهند برای حادثه ای در خلیج فارس مبادرت بچنین عمل دامنه داری نخواهند کرد.»^۱

مجله متمایل بدست چپ موسوم به «نیواستیتزمن»^۲ در تاریخ ۸ تیرماه ۱۳۳۰ مقاله ای درباره مذاکرات مجلس مبعوثان و وقایع ایران نوشته بود که نقل قسمت های مهم آن بی مورد نیست :

« بحثی که در مجلس مبعوثان راجع بایران شده واضح میدارد که عده زیادی از نمایندگان هنوز آلوده بافکار قرون گذشته میباشند. مسترایدن و پیروان او و همچنین برخی از نمایندگان حزب سوسیالیست باسختی تمام از دولت تقاضا کردند که بوسیله اعزام قشون و اعمال زور نفت ایران را استخراج و بار کشتیهای شرکت نفت بنماید. چنین اقدامی متضمن این خواهد بود که ما بیک کشور مستقل و دوستی تجاوز کنیم و مواجه با مقاومت ارتش ایران شویم که امروز با اسلحه امریکائی مجهز میباشد و تحت فرماندهی یک افسر امریکائی است - وحدافل دولشگر برای چنین کاری لازم خواهد بود و یکدسته ناوگانی مرکب از یکصد و پنجاه کشتی لازم است که این ارتش را حمل نماید. این حقایق ساده را گویا محافظه کارانی که از وزیر خارجه انتقاد میکنند در نظر نگرفته اند و واضح است که اعضای حزب محافظه کار هنوز در عصر طلائی امپریالیزم انگلیس زندگی میکنند که اعزام چند کشتی کوچک جنگی بخلیج فارس و یک تیپ سرباز هندی به بصره

(۱) بیانات فوق عیناً از صورت مشروح مذاکرات مجلس مبعوثان ترجمه و نقل شده است .

(۲) New Statesman که ترجمه آن « سیاستمدار جدید » است یکی از مجله های سیاسی و

با قوود انگلستان است .

کافی بود که متمردين را سر جای خود نشانند جای بسی خوشوقتی است که دولت حاضر بدون درنگ این تقاضای بی جا را رد کرده است و وزیر خارجه اظهار داشته است کشتی جنگی برای این است که جان و مال اتباع انگلیس را حفظ نماید ولی بنظر ما حتی این عمل هم موجه نیست. ظاهراً وزیر خارجه امیدوار است که خارج کردن کارکنان انگلیسی و متوقف ساختن رفت و آمد کشتیهای نفتکش موجب خواهد شد که ایرانیان راه معتدلی را در پیش گیرند. بی شک چنین رویه ای تهران را مواجه با این مسئله خواهد کرد که چگونه حقوق مستخدمین دولت و هزینه ارتش را بپردازد و از درآمد نفت صرف نظر نماید ولی محاصره اقتصادی هم راه حل مناسب و معقولی نیست زیرا ممکن است ایرانیان را مصمم تر نماید که در عدم رعایت واقع بینی جری تر شوند. دیر یا زود ما با کمک و مساعدت امریکاییها و فرانسویها و هلندیها باید سیاست مشترکی راجع به نفت خاور میانه اتخاذ نماییم و چون تا کنون بچنین کاری مبادرت نکرده ایم اکنون ضرر آنرا میبریم ... در حال حاضر ایران کشور عقب افتاده ای است که برزگران آن در نهایت فقر و بیچارگی زندگی میکنند و مبتلا با امراض مختلف میباشند. مجلس ملی آن در دست یک گروه مالکین منحط قرار گرفته است. مستخدمین کشوری غالب بی کفایت و نادارست میباشند و تأسیسات اجتماعی و رفاه در آن کشور تقریباً نایاب است غالب ادعا میشود که احساسات ملی کشورهای خاور میانه ناشی از غلیان احساسات بیمورد و غیر موجه است زیرا که ایرانیان و مصریها و عراقیها متوقع هستند که با آنها همان رفتاری بشود که با دیگران میشود. ولی حقیقت قضیه این است که دعوی بین لندن و تهران نه سر پول است و نه منازعه ای است بین مدیران شرکت نفت و گروهی که زمام امور ایران را در دست دارند. در پشت پرده این منازعات ظاهری و مذاکرات مالی و اقتصادی صحنه دیگری قرار گرفته است که آغاز سیاست غالبتری را نشان میدهد و آن عبارت است از یک انقلاب ملی و اجتماعی که بتدریج سرتاسر آسیا را فرا خواهد گرفت. یا باید با این انقلاب سازش نمود و یا روزهی خواهد آمد که انقلاب مزبور مارادرتسگنا خواهد گذاشت. کسانی که با سیاست بین المللی و جریان های مختلف آن آشنائی دارند میدانند که حکومت کارگری انگلستان در قضیه نفت ایران سعی بسیار نمود که واقع بینی را شعار خود قرار داده و از توسل بحربه های پوسیده محافظه کاران خود داری نماید. جرائد آزاد بخوان انگلستان و آنانی که متمایل بچپ بودند نیز درین باره کمک های بسیاری نمودند و در مقابل فشار محافظه کاران که تقاضای تجاوز نظامی بایران را داشتند ایستادگی قابل تحسینی نمودند. علاوه برین دولت امریکا هم درین میان نقش عمده ای را بازی کرد و بحزب محافظه کار انگلستان فهماند که با سیاست تجاوز بایران موافق نیست و بالاخره توانست از شور و غلیان آنها بکاهد. یک نکته فوق العاده مهمی هم که در تمام حسابهای سیاستمداران انگلیس و امریکا بحساب آمد و کمتر دیده شد که در جراید بآن اشاره ای شود احساسات و تمایلات کارکنان صنعت نفت ایران بود. سیاستمداران مآل اندیش و واقع بین مدعی بودند که بر فرض اینکه تجاوز نظامی بایران صورت گیرد و بگفته مستر سندیز روسها هم عکس العملی بخرج ندهند چگونه میتوان صنعت مزبور را با مخالفت کارکنان ایرانی آن اداره کرد و برخلاف میل آنها از آن

بهره برداری نمود. متأسفانه این اهمیت بسزائی را که بیگانگان با احساسات کارمندان و کارگران صنعت نفت ایران میدادند در خود کشور و بین سیاست مآبان تهران مورد تقدیر واقع نگشت و در تمام مدتی که دولت با انگلیسها در کشمکش بوده بهره‌مندی شایسته‌ای از آن نشد.

روز ۸ تیرماه ۱۳۳۰ وزیر خارجه انگلیس پیام دیگری برای نخست‌وزیر ایران فرستاده و بمتوقف شدن صدور نفت اشاراتی کرده و درخاتمه چنین گفته بود :

« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لازم میداند متذکر گردد که مسئولیت احضار کشتیهای نفت کش و تعطیل شدن تدریجی تأسیسات شرکت که نتیجه آن از دست رفتن درآمد ایران و بیکار شدن دست‌جمعی کارگران ایرانی خواهد بود ناشی از رویه فعلی دولت ایران است که نه تنها از قبول پیشنهاد مکرر جهت انجام مذاکرات خودداری کرده‌اند بلکه بدون مطالعه صحیح یا مشورت قبلی اصرار بر تعقیب يك سلسله اقداماتی نموده‌اند که عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران حتی درین لحظه آخر تشخیص ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خردمندانه نیست.»

روز یازدهم تیر نخست وزیر مصاحبه‌ای با کینگزبوری اسمیت^۱ مدیر سرویس اروپائی خبرگزاری بین‌المللی نیوز سرویس^۲ کرد که سؤال و جواب زیر در آن ذکر شده بود و از لحاظ اهمیت در زیر نقل میشود :

« سؤال - بعقیده جنابعالی آیا هدف مبارزه فعلی برای ملت ایران بیشتر تأمین استقلال کشور و رهائی از سلطه نفوذ انگلستان است یا آنکه موضوع فقط تأمین درآمد بیشتری از ممر منابع نفتی است ؟

جواب - درین باب سه موضوع را باید در نظر داشت : اول - دولت ایران باید بتواند خودش را کاملاً مستقل نگاهدارد تا هیچ دولت خارجی نتواند در امور داخلی او دخالت کند. دوم - وقتی یک دولت دخالت کرد چطور میتوانیم از سایرین انتظار داشته باشیم که دخالت نکنند. سوم - ما هیچ راهی برای برطرف کردن این فقر شدید و بیچارگی نداریم مگر از طریق عایدات نفت که متعلق بماست و ما بدست خود بگیریم. عدم دخالت دول خارجی درین کشور و اصلاح وضع مردم سبب خواهد شد که جنگ بین الملل لا اقل ازین مملکت در نگیرد. ما صنعت نفت را ملی کردیم برای اینکه وضعیت ما بهتر شود ولی ازین ملی کردن نفت هیچ وقت در نظر نداشتیم بدولی که از نفت ما استفاده میبرند ضرری برسد. تا وقتی که عده متخصصین فنی خود ما کافی نشود ما نمیخواهیم که متخصصین خارجی ما بروند. ما حاضریم بدولی که از نفت ایران تا کتون متمتع میشدند آنچه لازم است اطمینان بدهیم که در بهره برداری و تقسیم نفت بین آنها خودداری نخواهیم کرد : ملت ایران از ملی شدن نفت خود

يك هدف عمده دارد و آن این است که دیگران در امور داخلی ما دخالت نکنند .
سؤال - شرکت نفت میترسد جبران کافی برای لغو امتیازش باو داده نشود در صورتیکه موضوع ملی شدن نفت کاملاً شناخته شود آیا حضرتعالی حاضرید حکمیت بیطرفانه‌ای را در باب ادعاهای قانونی شرکت نفت در باب دادن امتیاز خود قبول کنید بشرط آنکه این هیئت بیطرف ادعاهای دولت ایران را در مقابل شرکت نیز مورد نظر قرار دهد؟

جواب - بلی کاملاً موافقیم. ما هیچوقت نمیخواهیم اموال کسی را مصادره کنیم. ما فقط مایلیم که دستگاه نفت مال ملت ایران شود ولی ما حاضریم ادعاهای احتمالی شرکت را مورد مطالعه قرار دهیم بشرط آنکه مطالبات ما از شرکت نیز مورد مطالعه قرار گیرد .

سؤال - آیا تصور می‌فرمائید ممکن باشد مجدداً مذاکرات با شرکت آغاز گردد؟

جواب - فقط برای تصفیه حساب نه برای ادامه عملیات توسط شرکت.^۱

در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۳۰ دولت ایران به رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه اطلاع داد که درخواست دولت انگلیس را مبنی بر اقدامات تأمینی رد مینماید و اظهار داشت که دولت انگلیس صلاحیت این را ندارد که در قضیه اختلاف بین دولت ایران و شرکت نفت دخالت نماید و نظر به فقد اختیار قضایی مدعی و با توجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع بدیوان نیست از دیوان مزبور تقاضا کرد اعلام نماید که موضوع از صلاحیت آن خارج است . در تاریخ سیزدهم تیرماه دیوان بین - المللی دادگستری با کثرت آراء اعلام داشت که تقاضای دولت انگلیس بعنوان حمایت سیاسی از يك شرکت انگلیسی بوده و عبارت از نقض حقوق بین‌المللی می باشد و از حیطة قضاوت بین‌المللی خارج نیست و لهذا اقدامات تأمینی ذیل را تعیین نمود:
۱ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عمل زیان آور نسبت بحقوق طرف دیگر در اجرای رایی که دیوان ممکن است در ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند .

۲ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عملی از هر قبیل که ممکن است اختلاف مرجوع بدیوان را تشدید یا توسعه دهد جلوگیری کند .

۳ - دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که هیچگونه اقدامی از هر قبیل بمنظور ممانعت از ادامه بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و ایران بنحوی که شرکت نامبرده قبل از اول ماه می ۱۹۵۱ (دهم اردیبهشت ۱۳۳۰) عمل میکرد اجرا نشود .

۴ - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیره آن بشکلی که

قبل از اول ماه می ۱۹۵۱ موجود بود باقیدتغییراتی که ممکن است باموافقت کمیسیون نظارت مذکور در بند ۵ بعمل آید ادامه یابد.

۵ - برای تأمین اجرای کامل مقررات فوق که بهر حال اعتبار خود را حفظ می- نمایند باتوافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیسیونی بنام کمیسیون نظارت مرکب از دو عضو بتعین هریک از دول فوق و یک عضو پنجم تبعهٔ یک دولت ثالث که باتوافق دول مزبور یا در صورت عدم توافق بنا بتقاضای مشترک طرفین توسط رئیس دیوان تعیین شود تشکیل گردد. وظیفهٔ کمیسیون عبارت ازین خواهد بود که مراقبت نماید که بهره برداری شرکت مطابق مقررات مذکور فوق ادامه یابد منجمله وظیفه دار خواهد بود که درآمدها را رسیدگی کند و مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق بشرکت نفت انگلیس و ایران باشد بمؤسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و مؤسسات بانکی مزبور تمهید نمایند که آن وجوه را جز بر طبق نتایجی که خواه از تصمیمات دیوان و خواه از موافقت طرفین حاصل شود بمصرف نرسانند. « ۱

دو نفر از قضات دیوان که یکی مصری و دیگری لهستانی بودند بر آری فوق مخالفت کردند و رأی دیوان هم بطرفین ابلاغ گردید. دوازدهم سپهر کبیر انگلیس در تهران نامه ای بدولت نوشته و اظهار داشت که دولت انگلستان بر آری دادگاه تسلیم بوده و حاضر است توصیه های آنرا قبول نماید ولی دولت ایران اعلام داشت که دیوان لاهه را صالح نشناخته و ارزشی هم برای رأی آن قائل نیست. بعلاوه در تاریخ ۱۷ تیر تلگرافی بدیر کل سازمان ملل متحد ارسال و اظهار داشت که چون دیوان مزبور از جادهٔ عدالت خارج شده و اعتماد عمومی را نسبت بخود متزلزل ساخته است لذا دولت ایران از ازین تاریخ اعلامیهٔ مورخ دوم اکتوبر ۱۹۳۰ خود را دربارهٔ قبول قضاوت اجباری دیوان مزبور مسترد میدارد.

در تاریخ ۱۷ تیر مستر ترومن رئیس جمهور امریکا نامه ای بنخست وزیر ایران ارسال و در آن چنین گفته بود :-

« بی اندازه ای متشکرم که جنابعالی در نامهٔ اخیر خودتان شرح کامل و صادقانه ای دربارهٔ جریان اختلاف نامناسب و نامساعدی که بین دولت شما و منافع نفتی بریتانیا در ایران پیش آمده است مرقوم فرموده بودید. این موضوع برای سعادت کشور شما و بریتانیای کبیر و همهٔ کشورهای آزاد دنیا بحدی خطر دارد که من با نگرانی شدید همواره فکر خود را معطوف باین قضیه نموده ام من با نگرانی ناظر قطع جریان مذاکره بوده ام و می بینم دارد وضعی پیش می آید که عملیات تصفیه و استخراج نفت بهم فروریخته و ازین راه ضررهای بسیاری بایران و دنیا وارد میشود. یقیناً این پیش آمد مصیبتی است که میتوان باتدبیر و سیاستمداری راهی برای جلوگیری آن پیدا

نمود. اخیراً باین عقیده رسیده‌ام که برای آنکه مسائل مختلف و بفرنجی که در میان است و ممکن است بعلت کمبود وقت سبب بسته شدن پالایشگاه گردد بطور کلی تصفیه شود (زیرا ادامه وضع حاضر حتماً منجر به بستن پالایشگاه میشود) لازم است قرار موقت قابل اجرائی داده شود که در عملیات تصفیه و استخراج نفت وقفه حاصل نگردد و ضمناً با چنین قرار موقت لطمه بمنافع هیچیک از طرفین وارد نشود. پیشنهادات مختلفی که درین باره شده است منتج به نتیجه نشده و زمان بسیار کوتاه است. درین موقع يك امر مهم و تازه‌ای نیز انجام گرفت و دیوان دادگستری بین‌المللی که دولت شما و دولت بریتانیا و دولت ما همگی در آن عضو هستیم و یا سایر ملل همکاری میکنند تا عدالت بیطرفانه و انصاف در دنیا حفظ گردد پیشنهادی برای يك قرار موقت نموده است.... بنا برین دوستانار میخواهد جناب‌عالی جداً توصیه کنند که به پیشنهاد دیوان بین‌المللی توجه خیلی عمیقانه مبذول فرمائید. دوستانار صلاح میدانند که جناب‌عالی باینکه این نظر باموارد فنی و قانونی تطبیق میکنند یا نمیکند توجهی فرمائید بلکه نظر دیوان را بعنوان پیشنهاد يك هیئت بیطرفی که هم خود را جهت عدالت و انصاف و برای دنیائی متکی بمبانی مزبور وقت مینماید تلقی فرمائید. دوستانار صمیمانه آرزو مندم که تا آنجا که بتوانم درین مورد کمک نمایم. من با آقای اورل هریمن^۱ که همانطور که اطلاع دارید از مشاورین نزدیک بنده و یکی از امریکائیهای عالیقدر میباشد مفصلاً درین باره مذاکره کرده‌ام. چنانچه جناب‌عالی مایل باشید ایشان را بپذیرید من با کمال خوشوقتی ایشان را بعنوان نماینده شخصی خود روانه تهران میکنم تا درباره این مسئله فوری و مشکل با جناب‌عالی مشاوره نماید.»^۲

روزیستم تیرماه دکتر مصدق جوابی بنامه رئیس جمهور امریکا داده و چنین

گفت :-

« پیام دوستانه و جوابیه آنجناب مورخ ۹ ژوئیه (۱۷ تیر) کمی بعد از آنکه دولت ایران تصمیم خود را نسبت بقرارداد گاه بین‌الملل اتخاذ و ابلاغ کرده بود توسط جناب سفير کبير امریکا رسید. لازم میدانم یکبار دیگر از توجه آنجناب که نسبت بمصالح ایران همواره ابراز فرموده‌اید تشکر کنم. با کمال تأسف تا آنجا که دولت ایران تشخیص داده است تاکنون از ناحیه شرکت سابق راجع بقبول اصل ملی شدن صناعت نفت مطابق قوانینی که از مجلسین گذشته و دولت ملزم است آنرا اجرا کند اظهاری بعمل نیامده و پیشنهادی نشده بلکه نمایندگان شرکت در یادداشت مورخ ۲۸ خردادماه ۱۳۳۰ (۱۹ ژوئن ۱۹۵۱) پیشنهادهائی برخلاف قوانین مذکور دادند که منجر بقطع مذاکرات شد. دولت و ملت ایران بشرطی که حق مسلم ملی ما مطابق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت گردد حاضر است بلافاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره بشود تاوقفه‌ای در کار بهره برداری که دولت ایران همواره از آن احتراز

(۱) Averell Harriman

(۲) متن کامل این پیام در کتاب «اسناد نفت» صفحات ۴۸۷ - ۴۸۵ چاپ شده است.

داشته و چنانکه فرموده اید مورث خسارت برای همه است حاصل نگردد . . . دولت ایران بااطلاعی که نسبت بتجارب زیاد و شخصیت آقای هریمان دارد باتوجه باینکه بسمت نمایندگی آنجناب بتهران میآیند این موضوع را حسن استقبال میکند و امیدوار است ازمشاوره باچنین شخصی بهره مند شود.»^۱

درجلسه ۱۶۷ دوره شانزده مجلس شورای ملی مورخه ۲۰ تیرماه دکتر مصدق نطق مفصلی ایراد کرد که اهم مسائل مذکور درآن بشرح زیر بود وازنقل متن نطق برای اجتناب ازتطویل خودداری میشود. قسمت اول نطق اختصاص به تاریخچه وقایع سیاسی چندسال اخیرداشت و سپس نخست وزیر گفت :-

« امروز دیگر برای مردم و مجلس ایران مبالغه و اغراق نیست و شاید در شماره واقعیات و بدیهیات باشد اگر گفته شود که شرکت سابق نفت سلسله جناب و علت العلل همه بدبختیهای سیاسی واجتماعی و اقتصادی این کشور بوده است و یقین است که اگر دست این شرکت را کوتاه کنیم هیچ فرد ودولتی یارای آن نخواهد داشت که جریان امور را بهمین صورت سابق نگاهدارد . . . دولت بارها اعلام داشته که قانوناً مکلف است کاری کند تا جریان نفت و فروش آن بخریداران سابق قطع نشود و حتی دولت اینجناب حاضر شد برای اینکه وقفه ای درین امر حیاتی رخ ندهد مختصراً با گرفتن رسید نفت صادرشود ولی مسئولین شرکت سابق درین راه دست بکارشکنی عظیمی زده اند. دنیا بداند که مسئولیت قطع جریان نفت بادوات ایران نیست. ما آنچه در قوه داشتیم برای ادامه کار شرکت سابق نفت انجام دادیم . . . در دسرندهم اینجناب تصمیم راسخ دارم که به پشتیبانی ملت ایران و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و با تقویت مجلسین برطبق موازین قانونی بدون اندک انحرافی بوظیفه خود با نهایت ثبات و استقامت عمل کنم . . . ایندولت بهیچوجه خود را حاضر برای دخالت در امر انتخابات آینده نمی بیند. ایندولت تا زمانیکه کار نفت خاتمه نیافته خواهد ماند . . . مشکلات فعلی از سه طریق پیدا شده یکی از آنها مشکلات ارزی است که بمناسبت عدم دریافت لیره های شرکت سابق نفت بوجود آمده و بانك ملی ایران نیز درین خصوص طی نامه با اینجناب یادآوری نموده است که اقداماتی که تاکنون از طرف بانك بعمل آمده برای رفع این بحران احتمالی کافی نیست و دولت را متوجه نموده است که نسبت بجریان معاملات خارجی و مخصوصاً واردات ضروری هر قدر زودتر دست بکار اقدامات مؤثرتری بشود علیهذا بامشورت متخصصین فن لایحه ای تدارک شده است که بموجب آن میتوان از ارز های موجود در حساب پشتوانه اسکناس موقه و بتدریج مبالغی لیره دریافت و بوسیله آن قسمت مهمی از واردات ضروری کشور را تأمین نموده و اتفاقاً انتقال لیره های تضمینی از خارج بایران از جهات عدیده قرین مصلحت میباشد^۲ مشکلات دیگر

(۱) متن کامل این جواب در صفحات ۴۰۹-۴۰۸ همان کتاب «اسنادت» مندرج است.
(۲) لایحه برداشت چهارده میون لیره از پشتوانه اسکناس در جلسه ۶ مرداد مجلس شورای ملی

مربوط بانجام قانون ملی شدن صنعت نفت و نگاهداری این دستگاه عظیم است که تا بحریان افتادن معاملات بامشتریان سابق باید تحمل مخارجی را نمود با اعتماد بعواطف واحساسات عمومی لایحه ای تدوین شده که بموجب آن مبلغ دو میلیارد ریال از داخله کشور استقراض شود این لایحه نیز تقدیم میگردد در دنبال مذاکرات بابانک صادرات و واردات امریکا مجدداً صحبت شده است که اعتباری بمبلغ ۲۵ میلیون دلار که دوره استهلاكش ۱۵ سال طول خواهد کشید برای خرید ماشین - آلات کشاورزی و راه گرفته و بخريد و حمل آن ماشین آلات زودتر اقدام شود.»

درین بخش بتفصیل جریان مذاکرات با هیئت اعزامی از طرف شرکت نفت و وقایع بعد از آن تا آمدن مستر هریمن بشهران ذکر شده است و لازم است گفته شود که قبل از آمدن هریمن قسمت عمده کارکنان انگلیسی شرکت نفت از ایران رفته و صدور نفت متوقف گشته بود. سناتور دکتر متین دفتری در گزارشی که روز ۱۹ تیرماه در جلسه مجلس سنا خواند وضع آنروز را بشرح زیر خلاصه کرده بود :-

«متأسفانه يك محیط متشنجی فراهم شده و خبطهایی میشود که بروخامت اوضاع می افزاید و مادام که تشنج باقی است وافکار عمومی ما درغلیان است حل مسئله و حصول توافق مشکل است. اگر طرفداران کمپانی سابق از نقطه نظر حقوقی خودشان همین طور پافشاری کنند و بقرارداد ۱۹۳۳ محکم بچسبند و باصل ملی شدن صنعت نفت در ایران نخواهند آشنا شوند هرگز اختلاف حل نخواهد شد. اگر فشار اقتصادی را بخواهند ادامه دهند و ما هم نتوانیم تحمل کنیم و هلاک شویم از تباهی ما معلوم نیست دنیای غرب خوشبخت شود و من عاقبت این فشارها را وخیم می بینم. دنیای غرب بداند که اگر اینطور عرصه را برملت ایران روز بروز تنگتر کند و حال یأس برین ملت عصبانی و گرسنه مستولی شود میترسم راهی را پیش گیرند که تاکنون از آن احتراز داشتند. پس صلاح خود آنهاست که از تهدید و فشار صرف نظر کرده باماراه بیابند و مشکل های ما را خودشان حل کنند و بعقیده بنده با حسن نیت بوسیله همین قانون ملی شدن صنعت نفت و اساسنامه که باید هرچه زودتر بتصویب مجلسین برسد میتوان راه حل های اطمینان بخشی پیدا کرد و همه اختلافات را رفع نمود. لجاج و عناد بهیچوجه صلاح نیست. هم روزگار ما را تباہ می کند وهم آنها طرفی نخواهند بست.»

چنانکه از مندرجات جراید خارجی معلوم میشود در آن ایام انگلیسها توانسته بودند امریکائی ها را قانع سازند که اگر ملی شدن نفت ایران بطرزی که دولت ایران میخواست عملی گردد سایر کشور های نفت خیز خاورمیانه هم همین راه را خواهند رفت و سرمایه های عظیمی که شرکتهای نفت امریکا در صنعت نفت خاور - میانه بکار انداخته اند هدر خواهد رفت. ازین رو کارتل بین المللی نفت تصمیم گرفته بود که بهر قیمتی هست با شرکت نفت ایران و انگلیس مساعدت نماید و نگذارد که نفت ایران در خارج بفروش رسد. علاوه برین پس از آنکه صادرات

نفت ایران متوقف گردید دولت امریکا از نوزده شرکت نفت امریکائی که در خارج از امریکا بفروش نفت اشتغال داشتند دعوت کرد که با « کمیته تدارکات نفت خارجی »^۱ اشتراك مساعی کرده و جبران متوقف شدن صادرات نفت ایران را بنماید. در آنوقت چنك كره بشدت ادامه داشت و شرکتهای عضو کارتل نفت بایکدیگر معاضدت نمودند و نگذاشتند که شرکت نفت انگلیس و ایران بی نفت بماند^۲ بدین معنی که مسیر محصول پالایشگاه های بحرین و رأس التوره را که سابق باروفا میراث تغییر داده و مقصد آنرا کشور های شرق آسیا و هندوستان قرار دادند و مقداری نفت هم از امریکا و نروژ و آلمان برای اروپا آوردند که لطمه ای بی بازارها وارد نیاید.

درین جا بی مناسبت نیست اگر قسمتی از مقاله ای را که مجله « بشرویلوم پرس سرویس » چاپ انگلستان مورخه ژوئیه ۱۹۵۱ منتشر کرد و نظر محافل نفتی را منعکس میساخت نقل نمائیم. مجله مزبور چنین نوشته بود :

« روزیکه شرکت نفت ایران و انگلیس از ایران خارج شود صدور نفت از آن کشور متوقف خواهد گشت و صنعتی که در اقتصاد ایران نقش بسیار مهمی دارد را کد خواهد ماند اقدامات دوستانه ای که دولتین امریکا و انگلیس و بخصوص شخص رئیس جمهور امریکا برای حل قضیه نموده تا کنون بیفایده بوده است اگر در آینده نزدیک تغییراتی در وضع سیاسی ایران روی دهد امیدواری بحل قضیه بیشتر خواهد بود ولی عدم سیاستمداران میانه روی که حاضر باشند نتایج عملیات دکتر مصدق را بارت برده و با آن عمل نمایند محدود میباشد. شاید مدتی وقت لازم باشد تا توقف ناگهانی درآمد نفت و تأثیر آن در حیات اقتصادی کشور ظاهر گردد و هنگامیکه این حقایق تلخ آشکار گردید امید تغییرات مزبور بیشتر خواهد بود ازدست رفتن سی میلیون تن محصول نفت خام و پالایشگاه ۲۵ میلیون تنی آبادان یکی از ازارکان عمده صنعت نفت جهانی را متزلزل خواهد کرد ولی صنعت مزبور توانائی این را دارد که با چنین حادثه ای مقابله نماید و جنبه بین المللی آن طوری است که استعداد انعطاف بسیار داشته و قادر است که گلیم خود را از آب در آورد. بحرانی که در ایران پیش آمده چندان هم غیر مترقبه نبوده است زیرا در ماهها هفته های اخیر که بحران مزبور پدیدار شد نقشه های دقیقی طرح گردید که در صورت وقوع آن و متوقف شدن نفت ایران چه اقداماتی را باید شروع کرد. شبهه ای نیست که وضع کنونی سختیها و زحماتی را تولید کرده است ولی رفع احتیاجات مصرف کنندگان در تمام نقاط بیش از آنچه در ابتدای امر تصور میشد تأمین گردیده است باور نمیتوان کرد که ایرانیان برای مدت مدیدی تحمل نتایج وخیم سیاست و قصور روحی دکتر مصدق را بنمایند ولی اگر این رویه را ادامه دهند بزودی درک خواهند کرد که صنعت نفت جهانی با سرعت میتواند جبران کمبودیها را بنماید و آنوقت مشاهده

(۱) Foreign Petroleum Supply Committee (۲) در کتابی که Leonard M. Fanning بنام

Foreign Oil and the Free world نوشته (صفحه ۴۴۴) این مطلب شرح داده شده است.

خواهند کرد که برای نفت ایران کمتر جائی در بازار های جهان باقی خواهد ماند. آنچه در بالا گفته شد نظر محافل محافظه کاران بود و شرح زیر که از مجله «نیواستیتزمن» مورخه ۱۵ تیر ۱۳۳۰ نقل میشود نظر حزب کارگر و محافل دست‌چپ میباشد :

« از بیانات شدید مستر مورین و وزیر خارجه چنین معلوم میشود که او دیگر امیدی از دکتر مصدق ندارد و در صدد میباشد باشخص دیگری که کمتر غیر منطقی باشد بمذاکره پردازد. اگر چنین فرصتی بدست آید دونکته مهم را باید رعایت نمود. اول آنکه ما از بکار بردن نیروی نظامی باید خودداری نمایم. تهدید باشغال جنوب ایران موجب تقویت دکتر مصدق خواهد بود و بعکس تهدید بتخلیه ایران و نتایج اقتصادی که در بر خواهد داشت باعث تضعیف وی خواهد شد. دوم آنکه نظر ما نسبت بملی شدن نفت باید کاملاً واضح گردد. تا وقتیکه ما حاضر نشویم اصل تنصیف منافع را توأم با تنصیف مسئولیت و اداره کردن صنعت توأم کنیم ایرانیان گمان خواهند برد که شناختن اصل ملی شدن صنعت نفت ایران از طرف ما فقط جنبه ریاکاری را دارد و قصد ما این است که کنترل صنعت را منحصرأ برای خودمان تأمین نمایم. »

بخش چهارم — مذاکرات با هیئت اعزامی از طرف دولت انگلستان

روز بیست و سوم تیرماه ۱۳۳۰ مستر هرین باتفاق دوزخ از همراهان خود بهران وارد شد و همانروز حزب توده تظاهرات زیادی بر علیه ورود او نمود که قوای انتظامی دخالت نموده و منجر بقتل بیست نفر و زخمی شدن بیش از دویست نفر گردید. در میتینگ بزرگی که حزب توده در میدان بهارستان تشکیل داد شعار های زیادی بر علیه امریکا و انگلیس داده شد و آشکار گشت که حزب مزبور و الهام دهندگان آن با هر گونه حل قضیه نفت مخالف بوده و سیاست کلی آنها مبنی برین است که صنعت نفت را کد بماند تاوضع اقتصادی کشور وخیم تر شده و راه برای تسلط حزب توده و ایجاد حکومت کومونیستی در ایران هموار گردد. حوادث بعدهم معلوم داشت که برنامه حزب توده عبارت بود از (الف) طرفداری جدی از دولت دکتر مصدق و تقویت آن تا وقتیکه او روش منفی را تعقیب میکرد و سیاستش منتهی بر کود صنعت نفت میشد (ب) مخالفت با هر گونه راه حلی که موجب تجدید حیات صنعت نفت بود و تحریم پرداخت هر گونه

(۱) همراهان هرین یکی مستر Rountree رئیس اداره خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا و دیگری

Walter Levy متخصص امور نفت بود .

غرامتی بشرکت نفت (ج) تشویق و تشجیع کلیه عناصری که مخالف همکاری ایران با دول غرب بودند (د) تسریع در وخامت وضع اقتصادی ایران (ه) مهیا کردن وضع سقوط دکترمصدق در آینده و بدست گرفتن حکومت.

مسترهریمن چندروزی را بنذاکره با نخست وزیر و اولیای دولت و هیئت مختلط نفت پرداخت. نمایندگان دولت سوابق امرنفت را باو توضیح داده و مخصوصاً کوشش کردند باو خاطر نشان نمایند که نهضت ملی کردن نفت يك امر داخلی میباشد و مبتنی برهیچگونه تشویقی از طرف شورویها نبوده است و ضمناً باو اطلاع دادند که اگر قانون اجرای ملی کردن نفت اجرا نشود روسها تقاضای خود را برای تحصیل امتیاز نفت شمال تجدید خواهند نمود و عناصر افراطی قوی شده و دشواریهای سیاسی بسیاری ایجاد خواهند گشت. این مذاکرات دولت برای این بود که اثر تبلیغات انگلیسها را خنثی نماید و بنمایند رئیس جمهور امریکا واضح سازد که مساعدت با دولت ایران در امر ملی کردن نفت لازم میباشد. هریمن لزوم حسن نیت را از دوطرف واجب شمرده و سعی میکرد که توافقی بین طرفین ایجاد نماید و از قرار معلوم تظاهرات حزب توده در روز ورود او و اطلاعات دیگری که نمایندگان دولت درباره عملیات حزب مزبور باو دادند تأثیر بسزائی در او کرد و ضمن مذاکرات خود بدولت اظهار داشت که دولت امریکا حاضر است مساعدتهای مالی خود را بدولت ایران تحت عنوان اصل چهار بیفزاید و بخبیرنگاران خارجی هم گفته که این مساعدت مشروط به حل قضیه نفت نیست.



هریمن

روز هفتم مرداد مستر موریسون وزیر امور خارجه انگلستان نطقی در مجلس مبعوثان ایراد کرده و ضمن آن چنین گفت: « ادراکات و آرمان های ملی هر دو مطلوب و پسندیده اند ولی تفاوت بسیاری بین میهن پرستی و نفرت از بیگانگان هست که ما و سایر مردمان مغرب زمین آنرا دریافته ایم. امروز ملل دنیا باندازه ای بایکدیگر مربوط شده اند که نمیتوان منافع یکی را بضرر دیگری توسعه داد. احساسات ملی افراطی در بعضی از نقاط خاورمیانه موجب خصومت و سوء ظن بکشورهای دیگر شده است که متهم باستعمار طلبی شده اند. اگرما میخواستیم سیاست استعمار طلبی را در پیش گیریم تعقیب آن برای ما بسی سهل و آسان بود ولی ما چنین رویه ای را اتخاذ نکرده ایم. مللی که قیومیت آنها از طرف جامعه ملل بما واگذار شده

بود تشویق کردیم که تأسیسات ملی خود را توسعه دهند و آنها را آماده این گردیم که آزادی خود را بدست آورند. در طی چند سال مللی که امروز بنام عراق واردن هاشمی نامیده میشوند استقلال یافتند و بجای آنکه ما آزادی را از آنها سلب نمایم هر گونه اقدامی که لازم بود کردیم تا آنها باستقلال کامل رسیدند و امروز در نتیجه چنین سیاستی بهترین روابط دوستی و مودت بین ما و آندولت‌ها برقرار است. . . . ایران بهترین نمونه از آن نقاطی است که احساسات افراطی ملی و فقدان واقع بینی و سیاستمداری مشکلاتی را برای آن کشور ایجاد کرده است. یک امتیازی را شرکت نفت داشته و بموجب مقررات آن سالها در جنوب ایران بهره برداری میکرده است. این امتیاز فرصتی بانگلیسها داده بود که بامعلومات فنی و بازرگانی خود بیاری ایران رفته و منابع طبیعی آن کشور را استخراج نمایند و درآمد مهمی را برای دولت ایران تأمین نمایند. . . . دولت انگلستان بفرمان رزم آرا که در آن موقع نخست وزیر ایران بود اطلاع داد که امتیاز شرکت مزبور را نمیتوان از راه قانونی بوسیله ملی کردن نفت لغو نمود و درینجا از نمایندگان محترم تقاضا دارم بخاطر خود بپسارند که در تاریخ دهم فوریه دولت انگلستان بدولت ایران اطلاع داد که حاضر است قرارداد جدیدی روی اصل تنصیف منافع منعقد نماید. چندی پس از این اطلاع بود که رزم آرا بقتل رسید و عده ای بنام پیشوایان جبهه ملی سیاست ملی کردن نفت را پیش کشیده و برنامه بی مطالعه ای را آغاز کردند که عواقب آن برای اقتصاد ایران مطلوب نبوده و بحران کنونی را بوجود آورده است. بنا بر آنچه باطلاع نمایندگان رساندم معلوم است که دولت انگلستان و شرکت نفت در هر موقع حاضر بوده اند که بآرمانهای مشروع مردم ایران مساعدت نمایند و اگر بواسطه قتل رزم آرا نبود قراردادی که مورد قبول طرفین باشد در ماه مه مارس گذشته امضا شده بود. . . . در حال حاضر دولت ایران بوسیله مستر هریمن پیشنهاد هائی برای شروع مذاکره بین دولتین داده است و ماهم از آمدن مستر هریمن بلندن استفاده کرده پیشنهاد های مذکور را با او بحث کرده ایم و اکنون چند نکته دیگر باقی است که باید حل شود تا میسیون از طرف دولت انگلستان بریاست مهرداد سلطنتی مستر استوکس^۱ بتهران اعزام شود و مذاکرات را شروع نماید. »

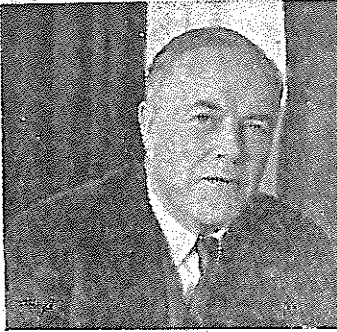
نتیجه مذاکرات اولیه مستر هریمن با نخست وزیر و اولیای دولت و هیئت مختلط در نطقی که دکترومصدق روز سیزدهم مرداد در مجلس شورای ملی ایراد کرد خلاصه شده و بشرح زیر است :-

« در نتیجه این مذاکرات در جلسه دوشنبه ۳۱ تیرماه هیئت وزیران و هیئت مختلط که در منزل اینجانب تشکیل گردیده فرمول ذیل طرح و مورد تصویب قرار گرفت و بعنوان نظریه قطعی دولت ایران باقay هریمن تسلیم شد : اولاً - در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت را

ذر ایران بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود. ثانیاً - دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بتهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید. ثالثاً - مقصود از ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلاً درج میشود: (بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری دردست دولت قرار گیرد). برای استحضار آقای هریمن يك نسخه از یادداشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصل ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان برسد. رابعاً - دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود. آقای هریمن داوطلب شده اند که شخصاً این فرمول را باطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین منظور روزجمعه چهارم مرداد باهوایما بلندن حرکت کردند. روز بعد (۸ مرداد) آقای هریمن باهوایما بایران مراجعت نمودند و سه روز بعد از آن یعنی روزجمعه یازدهم مرداد آقای میدلتن^۱ کاردار سفارت کبرای انگلستان دروزارت امور خارجه حضور یافته و نامه ای بضمون ذیل با آقای وزیر خارجه تسلیم نمودند:

جناب آقای باقر کاظمی - بر حسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آن دولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیما بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوعهای مربوطه بمنافع متقابل دولتین توسط مسترهاریمن دریافت نموده است. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فرمول مزبور را مورد استقاده قرار داده و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود باکمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتوان بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگر اینکه تسکینی در محیط فعلی داده شود. بر طبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبور را در نظر میگیرد و ما نیز با همان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسیونیکه بر ریاست یکفتر وزیر کابینه خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت ، اصل ملی شدن صنعت نفت را قبول مینماید. »

روز دوازدهم مرداد میسیون دولت انگلستان بریاست مستر ریچارد استوکس^۱ وارد تهران شد. نمایندگان هم که از طرف دولت برای مذاکره با هیئت مزبور انتخاب شدند عبارت بودند از وارسته وزیر دارائی - دکتر متین دفتری - دکتر رضازاده شفق - الله یار صالح - دکتر شایگان - دکتر سنجابی و مهندس حسینی.



استوکس

روز پانزدهم مرداد استوکس مسافرتی با آبدان کرد تا بازدیدی از مؤسسات نفت نموده و با کارکنان انگلیسی مذاکراتی بنماید. کارکنان مزبور با و اطلاع دادند که ادامه کار در محیط آغشته با احساسات مخالف برای آنها مشکل میباشد و فقط در صورتی ممکن است بکار خود ادامه دهند که رئیس آنها انگلیسی باشد و صدی پنجاه هم بر حقوق آنها افزوده گردد. روز بعد استوکس تهران مراجعت کرد و مذاکرات با نمایندگان دولت را شروع نمود. در ابتدا کوشش استوکس متوجه این بود که یک قرار موقتی در کار بدهد

تا صدور نفت متوقف نگردد و شرکت نفت مشتریان خود را از دست ندهد ولی نمایندگان دولت قرارهای موقتی را قبول نکرده سعی داشتند که غائله را یکباره خاتمه دهند. روز ۲۱ مرداد استوکس یادداشتی مشتمل بر هشت ماده تسلیم نمایندگان دولت کرد و اظهار داشت که یادداشت مزبور با محفوظ بودن حقوق طرفین در دعوا تنظیم گشته است.

روز سیام مرداد دکتر مصدق گزارشی درباره مذاکرات با مستر استوکس در مجلس شورای ملی قرائت کرد که قسمتی از آن در زیر نقل میگردد. در ابتدای گزارش شرحی راجع به بیانات استوکس ذکر کرده و سپس چنین گفت:

« در جلسه بعد بتاريخ ۱۶ مرداد جناب آقای وارسته رئیس نمایندگی ایران جوابی را که با موافقت دولت و هیئت مختلط تهیه شده بود شفاهاً با اطلاع نمایندگان دولت انگلستان رسانیده و عین آن را بصورت یادداشتی تسلیم کردند. متن جواب مزبور بقرار ذیل است: اینجانب لازم میدانم که بنمایندگی از طرف دولت ایران بار دیگر از تشریف

(۱) Richard Stokes وزیر مشاور کابینه حکومت کارگر انگلستان که عنوان مهر دار سلطنتی را داشت. سایر اعضای هیئت اعزامی عبارت بودند از Sir Donald Fergusson مدیر کل وزارت سوخت و نیرو - P.E. Ramsbotham نماینده مالی وزارت دارائی انگلستان - M.T. Flett رئیس قسمت دارائی وزارت سوخت - D.r. W.L.F. Nuttall مشاور فنی وزارت سوخت - E.H.O. Elkington یکی از مدیران شرکت نفت و چهار نفر دیگر از اعضای شرکت مزبور

فرمائی آقایان اظهار تشکر و خرسندی نمایم . اینکه دولت پادشاهی انگلستان لازم دانسته است که میسیونری مرکب از بعضی از اعضاء کابینه خود را بوکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت ایران راجع بطرز اجرای قوانین ملی شدن صنعت نفت در قسمتی که مربوط بمنافع انگلستان است بایران اعزام دارد نشانه تفاهم بیشتری است که خوشبختانه نسبت بحسن نیت دولت و مفهوم قوانین ایران در کشور شما پیدا شده است. چون در اساس فعلی دولت و پارلمان ایران عواملی غیر از حقیقت و عدالت و منطق نبوده خوشوقتیم که بالاخره حق و عدالت مثل همیشه راه خود را باز کرده و موفق شده است که سوء تفاهمات را زایل سازد . امیدوارم که اقامت چندروزه شما در ایران و مخصوصاً سفر دوازده مستر استوکس بآبادان عمق احساسات ملت ایران و ضرورت عمل انجام شده و حسن نیت دولت ایران را برایشان و سایر همکاران محترم ایشان کاملاً روشن کرده باشند . بطوریکه آقایان توجه فرموده اند ملت ایران ملی شدن صنعت نفت را برای خود یک رنسانس و حیات جدید میدانند. آقای استوکس در توضیحات کلی و مقدماتی جلسه گذشته خود بیاناتی فرمودند که اگر اشتباه نکرده باشم اساس آن جلب توجه نسبت بچند نکته اساسی بود . اول آنکه فعالیت صنعت نفت بطور عادی و مرتب ادامه داشته و از وسایل و کارشناسان و متخصصین موجود استفاده شود . دوم اینکه در تسویه امر نفت اصول عدالت و نصفت رعایت گردد . سوم آنکه صدور جریان منظم نفت بخارج برای اقتصاد ایران و دنیای آزاد کمال اهمیت و ضرورت را دارد . این مسائل کاملاً مورد توجه دولت و مجلسین ایران بوده و اصول آنرا قانونگذار پیش بینی کرده است . دولت ایران مایل نیست که حتی یکروز فعالیت منظم صنعت نفت او متوقف و مختل بشود و نهایت علاقه را دارد که از کارشناسان و متخصصین و کارگران و کارمندانیکه در امور مربوط بنفت مجرب شده صنایع نفت ایران را اداره کرده اند در شرکت ملی نفت ایران کما فی السابق استفاده نماید و حاضر است که نظم حقوق و سایر مزایای آنانرا بموجب قرارداد هائیکه با شرکت سابق نفت داشته اند محفوظ داشته و سوابق خدمت و بازنشستگی آنها را رعایت کند. اشخاصیکه تاکنون در خدمت یک شرکت تجارتي بوده اند معلوم نیست چرا حاضر نخواهند شد با همان مزایا در خدمت یک دولت و برای امری که نتایج و ثمرات آن عاید بشریت میشود باقی بمانند . برای تسویه امر شرکت سابق نیز قانون ترتیب جبران خساراتی را که مبتنی بر عدالت و انصاف باشد کرده و حتی تا ۲۵ درصد از عواید خالص نفت را وثیقه آن قرار داده است . اکنون دولت ایران حاضر است که درین باب وارد مذاکره شده و بحساب مطالبات و دعاوی حق شرکت و دولت ایران بوسیله کارشناسان رسیدگی بعمل آید. در مرحله سوم ما کمال علاقه را داریم که کما فی السابق و بلکه بیشتر از سابق معامله و تجارت نفت ما بامشتریان عادی و سابق ادامه و توسعه داشته باشد و این امر نیز بطور کامل در قانون پیش بینی شده است . برای اجرای این اصل ما حاضر هستیم وارد

مذاکره بشویم و ترتیبی قرار بدهیم که موجب توسعه صادرات نفت ایران و اعتماد و اطمینان بیشتر مشتریان ما بشود. در خاتمه بیانات خود این نکته را اضافه مینمایم که اینچنان نیز مثل مستراستوکس معتقد است که گفتگوی از کدورتها و اختلافات گذشته بی حاصل است ولی در عین حال نمیتوان در اختیار راه حل آنرا نادیده گرفت. با حسن نیت و اعتماد متقابل و اطمینان باینکه طرفین میخواهیم به نتایجی برسیم که شالوده صفا و صمیمیت با دوام بین دولت و موجب اعتلاء حق و عدالت در جهان آزاد باشد تقاضا میکنم که فوراً مذاکرات را بر اساسی قرار بدهیم که منتج نتیجه مثبت بشود. پس از چند جلسه مذاکره در تاریخ ۲۱ مرداد هیئت نمایندگی انگلستان اصول پیشنهادات خود را در هشت ماده بشرح ذیل بهیئت نمایندگی تسلیم نمودند. (۱) شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاههای ملزومات خود را در ایران بشرکت نفت ملی ایران واگذار خواهد نمود. در مورد دارائی واقع در جنوب ایران غرامتی که باید از طرف شرکت ملی نفت ایران بشرکت نفت انگلیس و ایران تأدیه شود جز و هزینه اداره صنعت نفت در آن ناحیه محسوب خواهد شد. موضوع غرامتی که باید در مقابل آن قسمت از دارائی که در گذشته برای عملیات پخش و فروش در ایران مورد استفاده بوده تأدیه شود تابع ترتیبات جداگانه ای خواهد بود که در بند ۷ شرح آن داده خواهد شد. (۲) سازمانی بعنوان سازمان خرید تشکیل خواهد شد که وسیله مطمئنی برای تأمین صدور نفت ایران فراهم سازد زیرا صنعت نفتی ب عظمت صنعت نفت ایران فقط بر اساس یک چنین ترتیبی میتواند وضع خود را تأمین نماید. این منظور بوسیله انعقاد قرارداد طویل المده ای مثلاً برای ۲۵ سال با شرکت نفت ملی ایران حاصل خواهد شد که بموجب آن مقادیر بسیار زیادی نفت خام و فراورده های نفتی از جنوب ایران تحویل بندر ایران (I.O.B) ایتباع گردد (۳) گذشته از ترتیبی که بصورت بالا مقرر خواهد شد شرکت نفت ملی ایران خواهد توانست معاملات اضافی برای فروش نفت انجام بدهد ولی باین شرط عادی تجارتي که اینگونه فروشها نوعی صورت گیرد که بمنافع سازمان خرید لطمه ای وارد نیارد. (۴) طبق قرارداد مزبور سازمان خرید دستگاه وسیع دنیائی برای حمل و نقل و پخش و فروش در اختیار شرکت نفت ملی ایران خواهد گذاشت که از جمله یکی از بزرگترین دستگاههای حمل و نقل دریائی نفت که در تمام دنیا موجود است جزو آن خواهد بود و تمهیدات قطعی در مقابل مشتریهای خود خواهد نمود که برای ایشای آن متکی به محصول نفت ایران خواهد بود. بنابراین طبق عمل عادی تجارتي سازمان نامبرده باید اطمینان حاصل نماید که نفت بمقادیر و از نوع مورد احتیاج در مواقع لازم موجود خواهد بود. برای تأمین این منظور سازمان خرید با شرکت ملی نفت ایران توافق در باب یک سازمان عامل خواهد

نمود که تحت امر شرکت ملی نفت ایران و از طرف شرکت ملی نفت ایران عملیات اکتشاف و تولید و حمل و نقل و تصفیه و بارگیری نفت را در ناحیه مربوطه اداره نماید . سازمان خرید ترتیب پرداخت هزینه لازم را برای اجرای عملیات ازمحل درآمد جاری خواهد داد . (۵) برای اینکه سازمان خرید که موضوع پیشنهاد میباشد بتواند تعهد خرید مقادیر زیادی نفت ایران طی سالهای متمادی بنماید شرایط تجارتي بایستی نوعی قرارداد داده شود که از شرایطی که سازمان خرید در سایر نقاط چه بوسیله خرید و چه بوسیله مباشرت تولید میتواند بدست آورد کم صرفه تر نباشد باین معنی که سازمان خرید نفت به قیمت های تجارتي F.O.B. تحویل بکشتی در بندر ایران خواهد خرید که در قیمت مزبور تخفیفی بشرح زیر منظور خواهد شد . این تخفیف بر روی هم مساوی خواهد بود با سودی که برای شرکت ملی نفت ایرای پس از وضع تخفیف و هزینه تهیه نفت برای فروش با سازمان خرید باقی میماند . (۶) در صورتی که پیشنهاد های بالا را بعنوان مبنای عمل آتیه صنعت نفت در جنوب ایران مورد قبول دولت ایران واقع شود پیشنهاد میشود که مفاد آنها بصورت رموس مسائل مورد موافقت تنظیم شود که بعداً قرارداد خرید تفصیلی بین دولت ایران و سازمان خریدی که موضوع پیشنهاد است روی اساس آن تهیه شود . در ضمن رموس مسائل مورد موافقت ترتیبی هم برای تجدید فوری عملیات در جنوب ایران بر اساس موقت مقرر خواهد گردید . (۷) پیشنهاد میشود که تمام دارائی متعلق شرکت سهامی نفت کرمانشاه که نفت را برای مصرف ایران استخراج و تصفیه مینماید بانضمام تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاه ها و دارائی منقول شرکت نفت انگلیس و ایران که در گذشته برای پخش و فروش فرآورده های تصفیه شده در ایران بکار میرفته است با شرایط مساعدی بدولت ایران واگذار شود . (۸) در هیئت مدیره سازمان عامل «باهیئت مشابه دیگر» دولت ایران نمایندگان خواهی داشت و البته سازمان از کارکنان غیر ایرانی فقط در در مواردی استفاده خواهد نمود که برای حصول نتیجه از عملیات استخدام آنان ضروری باشد و همچنین نسبت به برنامه کارآموزی که شرکت ملی نفت ایران بخواهد عملی نماید با شرکت نامبرده منتهای همکاری را خواهد نمود . این پیشنهادات که برخلاف اصل ملی شدن صنعت نفت و برخلاف فورمول چهار ماده تسلیمی آقای هریمن که مورد موافقت دولت انگلستان نیز قرار گرفته بود تشخیص داده شد طبیعتاً نمیتوانست مورد موافقت دولت ایران واقع شود و نیز در همان جلسه خلاصه جوابی که از طرف کمیسیون مذکور تهیه شده بود بشرح ذیل در هیئت دولت و هیئت مختلط مطرح و مورد موافقت گردید . . . بنا برین مسائلیکه طبق فورمول مذکور میتوان در اطراف آن مذاکره کرد سه مورد ذیل میباشد :

(۱) موضوع خرید نفت برای احتیاجات انگلستان (۲) موضوع رسیدگی بدعاوی

حقه دولت ایران و شرکت سابق نفت (۳) موضوع ادامه خدمت متخصصین فنی انگلیسی. بدیهی است هر نوع نظری در باب مسائل سه گانه فوق طبق فورمول ۲۳ تیر ۱۳۳۰ اظهار شود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.»

خوانندگانانی که بخواهند از جزئیات مذاکرات بین دکتر مصدق و استوکس آگاهی یابند بایستی بصورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و بقیه گزارش نخست وزیر رجوع نمایند که نقل تمام آن درین کتاب بعلم طولانی بودن مقدور نبوده است. بطور خلاصه پس از مبادله نظریات طرفین برای حل اختلاف دو ملاقات بین نخست وزیر و استوکس با حضور هریم صورت میگیرد که در ضمن آن استوکس تاحدی حاضر میشود که هیئت مدیره شرکت ملی نفت عهده دار اداره کردن صنعت نفت باشد و نخست وزیر هم قبول میکند که عده ای کارشناس درجه اول از ممالک بیطرف برای عضویت هیئت مدیره استخدام نماید و حتی اکثریت را هم بآنها بدهد. ولی استوکس مدعی میشود که چون کارشناسان انگلیسی حاضر نیستند تحت ریاست کسی که از ملت انگلیس نباشد انجام وظیفه نمایند بهتر است که مدیر عامل انگلیسی باشد تا کلیه عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری تحت دستور و اختیار او قرار گیرد. نخست وزیر در جواب میگوید خوب است سایر مسائل را حل کنیم و بعد باین مرحله برسیم ولی استوکس تأکیداً اظهار میدارد که تامل مدیر عامل حل نشود مذاکره در سایر مسائل بیهوده است.

روز ۲۹ مرداد استوکس نامه ای بنخست وزیر نوشته و پیشنهاد هشت ماده که برای اساس مذاکرات تسلیم دولت کرده بود مسترد داشت و در نامه خود گفت که اگر تا روز بعد دولت استخدام مدیر عامل انگلیسی را قبول نماید مذاکرات ادامه نخواهد یافت. روز سی ام مرداد دکتر مصدق گزارش مذاکرات خود را بمجلسین شورای ملی و سنا تقدیم و هر دو مجلس با اکثریت زیادی باو رأی اعتماد دادند. روزی و یکم مرداد میسیون استوکس تهران را ترک و بلندن مراجعت کرد.

هریم هم نامه ای بنخست وزیر نوشت و در آن اظهار تأسف از بی نتیجه بودن مذاکرات نموده و نظریات چندی هم در آن نامه اظهار داشت که نقل چند جمله آن در زیر بی مناسبت نیست:

«مثلاً بدولت شاهنشاهی ایران یادآور گردیدم که هر گاه بخواهند مقادیر زیادی از نفت را برای فروش بی بازارهای دنیا عرضه بدارند بایستی ترتیباتی بایک سازمانی که وسائل حمل و نقل و توزیع نفت را بمقادیر زیاد در دسترس دارد وارد مذاکراتی بشوند. از نقطه نظر تجارتهی هیچ شرکتی حاضر نمیشود که وارد عهده قراردادی بادولت ایران بشود مگر اینکه بدانند که نفت ایران را میتوانند بقیمت نازلتری از سایر کشور های نفت خیز بدست بیاورد و بعلاوه متذکر گردیدم که طبق اصول تجارتهی تنها شرکتی که بازار موجودی برای نفت ایران دارد خواهد توانست خرید آن را بمقادیر زیادی بعهده بگیرد.

..... دولت شاهنشاهی ایران در مذاکرات با اینجانب ابراز فرموده اند که قصد مصادره اموال شرکت سابق نفت را ندارند. نظر دولت من برین است که قبضه مایملک یک شرکت خارجی بوسیله دولتی بدون پرداخت پاداش فوری و مکتفی و مؤثر و یادادن ترتیبی که مرضی الطرفین بوده باشد بایستی مصادره نامیده نشود نه ملی شدن..... کمال تأسف را دارم که مساعی مبذوله برای پیدا کردن راهحلی تا بحال ب نتیجه مثبتی نرسیده و رجاء واثق دارم که دولت شاهنشاهی ایران نظریات اینجانب را که از روی کمال صداقت و دوستی می باشد مورد مذاقه کامل قرار بدهند.»

پس از ارسال نامه فوق هریمن هم در تاریخ اول شهریور از تهران حرکت و با آمریکا مراجعت نمود. درین ضمن شرکت نفت بتدریج تمام کارکنان خارجی خود را از نواحی نفت خیز خارج کرد و اعلام نمود که ازین بعد حقوق و مزد کارکنان نواحی مزبور را نخواهد پرداخت. در آن تاریخ فقط ۳۵۰ نفر انگلیسی کارمند شرکت در ایران باقی مانده بودند که همه آنها در آبادان بودند و گرچه شرکت میخواست آنها را هم با انگلستان بفرستد ولی بتقاضای دولت انگلستان این کار را بتعویق انداخت .

بخش پنجم - خلع ید و اخراج کارکنان انگلیسی

در تاریخ سی و یکم مرداد وزارت خارجه انگلیس در لندن اعلامیه ای منتشر کرد که قسمتی از آن در زیر نقل میشود:

«متن تصویب نامه هیئت وزیران که مورد توافق طرفین واقع شد و باید مبنای مذاکرات قرار گیرد منتشر شده است. بنا بر مذاکراتی که بین مستر هریمن و دولت ایران صورت گرفته بود دولت پادشاهی انگلستان در آنوقت چنین عقیده پیدا کرده بود که دولت ایران اصرار نخواهد کرد که مذاکرات روی اساس قانون نه ماده ای صورت گیرد. قانون مزبور که برای اجرا کردن اصل ملی شدن وضع شده بود با عجله تنظیم شده و بدون مشورت با متخصصین فن تدوین گشته بود و در نظر دولت انگلستان نه تنها در عمل اجرا پذیر نبود بلکه بطور واضح ناقض تعهدات دولت ایران نیز میبود در ضمن مذاکرات با نمایندگان دولت انگلیس معلوم گشت که دولت ایران حاضر نیست روی اساسی که مستر هریمن با هر دو دولت توافق کرده است مذاکره نماید و بعکس دولت مزبور اصرار داشت که قانون نه ماده ای کاملاً اجرا گردد. علاوه برین هیچ اقدامی هم برای تخفیف دخالت‌هایی که در امور کارکنان شرکت میشد بعمل نیامد و بالاخره دولت ایران از قبول ترتیبی که کارمندان انگلیسی بتوانند تحت شرایط مناسب و زیر نظر ریاست مقبولی کار کنند خودداری نمود. امروز صنعت عظیم نفت ایران متوقف گشته و سودی از آن عاید هیچکس نمیشود بلکه هزینه بسیاری را هم برای دولت ایجاد کرده است. اکنون دولت

انگلستان باید روی تصمیم موقتی که دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه صادر کرده ایستادگی نماید... نظر بمتوقف شدن عملیات در نواحی نفت خیز که در نتیجه اقدامات دولت ایران بوده است شرکت نفت ایران و انگلیس مجبور شده که تمام کارمندان خود را از نواحی مزبور خارج نماید ولی دستور داده است که عده‌ای از آنان در آبادان باقی بمانند تا هر وقت دولت ایران اجازه داد برای اجرای تصمیم دیوان لاهه حاضر باشند.»

در مصاحبه‌ای که مستر هریمین پس از مراجعت از ایران با مطبوعات لندن داشت و در تاریخ ششم شهریور در غالب جراید منتشر شد چنین گفته بود:-

«مستر هریمین اظهار داشت که از شکست و عدم توفیق مذاکرات تهران نا امید نشده است و عقیده داشت راه حلی که متضمن کنترل و نظارت صنعت نفت طبق خواسته ایرانیان و شامل تأمین منافع انگلستان باشد میسر است. او هم مانند مستر استوکس عقیده داشت که قدم بعدی را باید دولت ایران بردارد و اظهار داشت که اگر از شدت قضیه کاسته گردد کار بهتر پیشرفت خواهد کرد. مستر هریمین گفت هیچگونه اختلاف نظری بین او و مستر استوکس موجود نبود ولی علاوه کرد که درباره هشت ماده پیشنهادی مستر استوکس سوء تفاهم بسیاری در تهران ایجاد گشت. پیشنهاد او بعنوان پایه و اساس مذاکرات تنظیم گشته بود ولی متأسفانه قبل از آنکه راجع بآن بحث و گفتگوی حقیقی بشود در جراید تهران منتشر گشت و بسیاری از مردم تفسیرهایی از آن کردند که انشاء کننده چنین قصدی از آن نداشت... مستر هریمین گفت احساسات شدیدی که اکنون در ایران حکم فرماست مذاکره و بحث را بسیار دشوار ساخته است و عامل دیگری هم که باین دشواری اضافه گشته این است که دولت ایران مشاورین مطلع و آزموده‌ای که در امور بازرگانی نفت و وسعت عمل جهانی آن اطلاعات کافی داشته باشند ندارد. نظر باین مراتب خیلی طبیعی بود که فشارهای سیاسی بی تناسب دولت ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد و مانع از حل قضیه گردد. بعقیده مستر هریمین مباحثات اخیر تهران از اختلافات بین طرفین کاسته و اگر تفاهم بیشتری حاصل گردد میتوان مذاکرات متوقف شده را دو باره شروع نمود.»

پس از عزیمت استوکس و هریمین عده‌ای از نمایندگان مجلس و گروهی که با دکتور مصدق مخالف بودند عدم توفیق مذاکرات را پیش کشیده و بشدت از دولت انتقاد کردند و مدعی شدند که از وساطت امریکاهم استفاده مطلوب نشد و لازم است که دولت ساقط گردد تا دولت جدیدی روی کار آمده و قضیه نفت را حل نماید. طرفداران دولت هم با مخالفین خود مبارزه شدید نموده و اظهار میداشتند که باید مقاومت نمود تا بمقصود رسید. در اینگونه مواقع نخست وزیر متوسل بتبلیغات دامنه‌داری میشد و از مردم استمداد میگرد و باید اعتراف نمود که در تمام مدت حکومت دکتور مصدق دستگاه تبلیغات دولت به بهترین وجهی اداره میشد و نتایج بسیاری عاید دولت میساخت. روز نهم شهریور

۱۳۳۰ نخست وزیر پیمای از رادیو بر مردم ایران فرستاد و پس از تجلیل و تشجیع احساسات آنها چنین گفت:

« هر انتقادی از دولت بشود بیجا و بیمورد خواهد بود و تضعیف دولت و انتقادات ناجا بسود آنهایی تمام خواهد شد که ما را برای پیشرفت کار خود همواره زبون و ضعیف میخوانند و ایجاد نفاق و اختلاف بین ما فرصت مناسبی بحریف خواهد داد که قوای پراکنده خود را جمع و مجهز ساخته و بملت هجوم آورد. از طرفی عجله و شتاب در رسیدن بچنین مقصود عظیمی جز آنکه موجب خطا و انجام کاری بی مطالعه و نسجیده باشد نتیجه ای نخواهد داشت و البته تحولات اجتماعی و اموری که بسر نوشت يك ملت و مملکتی بستگی دارد کوچک و ناچیز نیست و بدون تحمل رنج و برد بسیاری فراوان گنج حاصل نمی شود و کسانی که تنها بهمین علت یعنی عدم نتیجه فوری دولت را مورد حمله قرار میدهند اگر گفتار و رفتارشان بغرض ورزی حمل نشود عقلاً در بی تجربگی آنان تردید نمی کنند. »

روز ۱۳ شهریور نخست وزیر نطقی در مجلس سنا ایراد کرد و در خاتمه آن چنین گفت :-

« در آخرین جلسه مذاکرات با هیئت نمایندگی انگلستان دولت ایران اصول نظریات خود را با آقای استوکس تسلیم کرد و پس از آن لازم نمیدانست پیشنهاد دیگری بنماید ولی چون تأخیر درین امر سبب خواهد شد که عمال کمپانی سابق نفت سوء استفاده کنند و برای آنکه دولت و ملت ایران را در نتیجه عدم تولید و فروش نفت گرفتار مضیقۀ مالی نمایند حاضر نشوند باین زودی داخل در مذاکره گردند دولت ایران در نظر دارد بر طبق نظریاتی که فوقاً بمرض رسید پیشنهاد نماید که در ظرف دو هفته از تاریخ پیشنهاد برای مذاکره حاضر شوند و یا چنانچه نظریات و پیشنهاد های متقابلی دارند اظهار نمایند . پس از انقضای مدت مذکور چنانچه جواب رضایت بخشی نرسد جواز اقامت کارشناسان انگلیسی در ایران لغو خواهد گردید . دولت ایران بیش ازین نمیتواند تأمل و برد باری نماید . البته تصدیق میفرمائید تا زمانی که کارمندان شرکت سابق نفت باین وضع در خاک ایران باقی هستند و متخصصین کشورهای دیگر اطمینان حاصل نمایند که بساط کمپانی سابق بطور قطع بر چیده شده است و دولت ایران مسلط بر اداره امور نفت خود میباشد پیشنهاد خرید نفت عرضه نخواهد نمود . »

پس از ایراد نطق فوق مجلس سنا با دادن رأی اعتماد تصمیم نخست وزیر را تأیید نمود و روز ۱۴ شهریور وزارت خارجه انگلیس در لندن اعلامیه زیر را منتشر نمود:

« نطق اخیر نخست وزیر ایران در مجلس سنا بطور قطع نشان میدهد که هر گونه مذاکره دیگری با دولت کنونی ایران بی نتیجه خواهد بود و بنا برین دولت انگلستان اعلام میدارد مذاکراتی که از طرف مهادار سلطنتی شروع شده بود دیگر معلق نیست بلکه آنرا قطع شده باید تلقی کرد . در باب تهدید بلغو جواز اقامت کارمندان انگلیسی

شرکت واضح است که اقدام دولت در اخراج آنها يك نقش مجددی از تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه خواهد بود .»

بواسطه مخالفت بعضی نمایندگان بارویه دولت جلسه مجلس شورای ملی تاروز ۱۷ شهریور تشکیل نشد ولی در آن روز جلسه تشکیل و نخست وزیر نطقی را که چهار روز پیش در مجلس سنا کرده بود تکرار کرد ولی از مجلس شورای ملی تقاضای رأی اعتماد نکرد . روز ۱۹ شهریور مسترگریدی سفیر کبیر امریکا در تهران که هواخواه جدی دولت دکتر مصدق بشمار میرفت تهران را ترك کرد و عازم امریکا گردید و شهرت یافت که تغییر او بواسطه مخالفتی بوده است که او با انگلیسها داشته و مانع از فیصله کار بوده است . سرفرانسیس شیرد سفیر کبیر انگلیس در تهران بی پروا در همه محافل اظهار میداشت که حل قضیه نفت با دولت دکتر مصدق امکان پذیر نیست و جراید لندن هم این عقیده را منعکس کرده و اظهار میداشتند که مذاکرات به بن بست رسیده و تادولت دیگری روی کار نیاید قضیه نفت حل نخواهد شد . شرکت نفت هم اختطاری در همه جراید دنیا منتشر کرد که اگر کسی از ایران نفت خریداری نماید در محاکم مربوط از طرف شرکت نفت مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و بکارکنان ایرانی خود نیز اختطار نمود که از ۲۴ شهریور به بعد دیگر حقوق آنها را نخواهد پرداخت .

روز ۲۰ شهریور نخست وزیر نامه‌ای به مستر هریمن نوشت و در آن اظهار داشت که دولت ایران نمیتواند پیشنهاد استوکس را درباره ایجاد يك سازمان عامل و یایک مدیرعامل انگلیسی بپذیرد ولی حاضر است هیئت مدیره مختلطی مرکب از متخصصین ممالک بیطرف و کارشناسان ایرانی تشکیل دهد تا امور اداری و فنی شرکت ملی نفت تحت نظر آن هیئت اداره شود و نیز حاضر است برای ترتیب تسویه دعاوی و مطالبات حقه شرکت نفت اقدام نماید و در خاتمه از هریمن تقاضا کرد بدولت انگلستان اطلاع دهد که اگر تا پانزده روز بعد نتیجه رضایت بخشی برای تجدید مذاکرات بومبنای نظریات دولت حاصل نشد دولت ایران با کمال تأسف ناگزیر خواهد بود که جواز اقامت کارمندان انگلیسی شرکت را لغو نماید . سه روز بعد مستر هریمن جوابی برای نخست وزیر فرستاد و در آن گفته بود : « نظر کلی اینجانب در باره این پیشنهادات این است که علی الظاهر مشابه با همان پیشنهاداتی میباشد که دولت ایران در حین مذاکرات در تهران ابراز مینمودند و هیئت نمایندگی بریتانیا نمیتوانستند بعلت تطبیق آنها با جهات عملی و تجارتي صنعت نفت آنرا مورد قبول خود قرار بدهند و حتی در بعضی جهات این پیشنهادات نشان میدهد که از مواردی که در حین انجام مذاکرات بآن واصل شده بودند اکنون بازگشتی حاصل شده است بطوریکه قبلاً هم عرض کردم کمال اشتیاق را دارم تا جائیکه اوضاع و احوال اجازه بدهد مفید واقع بشوم ولی بدلائلی که در فوق بعرض رسید با کمال تأسف باید بگویم که نمیتوانم با تقاضای جنابعالی درین مورد بخصوص موافقت بنمایم .»

در اوایل مهرماه نخست وزیر گزارشی راجع باقدمات خود در باره نفت تهیه کرده بود که در مجلس شورای ملی بخواند ولی بواسطه عدم حصول اکثریت کافی برای مذاکره گزارش مزبور در جلسه علنی خوانده نشد و متن آن در چهارم مهرماه برای بخش در رادیو و درج در مطبوعات داده شد که قسمتهائی از آن در زیر نقل میشود :-

« پس از وصول نامه آقای هریمن روزی برای عرض گزارش شرفیاب حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شده لزوم تسریع در فیصله دادن قضیه نفت را بعرض رسانید . درین ضمن بنظر رسید قبل از اینکه رسماً و مستقیماً بدولت انگلیس یادداشتی فرستاده شود بهتر است مساعی لازمه بکار رود بلکه زمینه‌ای برای اساس مذاکرات فراهم آید . باین منظور دولت ورقه‌ای بعنوان زمینه مذاکرات تهیه نمود که در آن تسهیلاتی برای فروش و حمل نفت قائل شده بود تا شاید بدینوسیله با توافق طرفین قضیه نفت خاتمه پذیرد . این ورقه غیر رسمی یعنی ورقه‌ای که بدون امضا و تاریخ و عنوان تنظیم شده بود بعرض رسید و از جناب آقای وزیر دربار تقاضا شد آن را بسفیر کبیر انگلیس بطور خصوصی تسلیم کنند . اینک متن ورقه : از آنجا که دولت ایران سعی دارد در حدود قانون ترتیباتی فراهم نماید که ملی شدن صنعت نفت ایران بدولت و ملت انگلیس لطمه‌ای وارد نیاورد و مسائلی که از ملی شدن صنعت نفت بوجود آمده هرچه زودتر بطریق عادلانه حل شود آخرین نظر خود را درین باب بنحو اختصار در اینجا توضیح میدهد . (۱) رسیدگی بقرامات شرکت سابق نفت و دعاوی و مطالبات دولت ایران - دولت ایران حاضر است یکی از طرق سه گانه ذیل دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت را بارعایت دعاوی و مطالبات دولت ایران تسویه نماید . (الف) از روی قیمت سهام شرکت سابق نفت (بقیمت قبل از ملی شدن صنعت نفت) . (ب) بر طبق قوانین و قواعدی که در مورد ملی کردن صنایع در هر یک از کشورهای بموقع اجرا گذاشته شده و شرکت سابق آنرا بیشتر بنفع خود بدانند . (ج) بهر طریق دیگری که مورد توافق طرفین واقع شود . (۲) فروش نفت بدولت انگلیس - دولت ایران حاضر است مقدار نفتی را که دولت و ملت انگلیس سابقاً خریداری میکرده اند در آینده نیز بقیمت عادله بین المللی تحویل بندر ایران بدولت مذکور طبق قرارداد طویل المدت بفروش رسانند . دولت انگلیس میتواند با برداشت نصف بهای نفت خریداری خود غرامات موضوع بند یک این نامه را استهلاک نماید . (۳) انعقاد قرارداد بامتخصمین خارجی - شرکت ملی نفت ایران متخصمین خارجی مورد نیاز را با تمام حقوق و مزایائی که در شرکت سابق نفت دارا بوده اند نگاهداری نموده با هر یک از آنها قرارداد منعقد میکند . و برای اینکه در تشکیلات شرکت سابق تغییری حاصل نشود و درین صنعت عظیم اختلالی روی ندهد کلیه مقررات اداری و فنی سابق را محفوظ خواهد داشت (جز آنچه با ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) و تمام قسمتهای فنی و اداری را بهمان ترتیب سابق بچریان خواهد انداخت و این قسمتها را بدست متخصمین فنی اعم از خارجی یا داخلی خواهد سپرد و در کار

های جاری و روزانه برؤسای قسمتها اختیارات کافی خواهد داد تا برای پیشرفت کار خود آزادی عمل داشته باشند. بعلاوه دررأس تشکیلات استخراج و تصفیه یکفردمدیر فنی خارجی که ملیت آنرا بعداً دولت ایران تعیین خواهد کرد خواهد گماشت. مدیر فنی که مستخدم ایران و رابط بین کارشناسان خارجی و هیئت مدیره است تحت نظر مستقیم هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران انجام وظیفه خواهد نمود. (۴) حمل نفت - شرکت ملی نفت ایران نفت را بیک یا چند مؤسسه که از طرف مشتریان سابق معرفی شوند تحویل خواهد داد. دولت ایران چنانکه مکرر اظهار داشته حاضر است از طریق مذاکره مسائل مذکوره در فوق را حل و فصل نماید و انتظار دارد اگر با شروع مذاکرات بر اساس این برنامه موافقت دارند هرچه زودتر نظریات خود را اظهار کنند تا اینکه از تاریخ تسلیم این نامه تا یکپهفته مذاکرات آغاز شود. جناب آقای وزیر دربار هم بهمین نحو عمل فرموده و رقه غیر رسمی را برای سفارت انگلیس فرستادند. اینک جوابی که از طرف سفارت رسیده بعرض میرسد: بتاريخ ۳۰ شهریور ۱۳۳۰- جناب آقای علاء عزیزم - در موقع شرفیابی بحضور اعلیحضرت همایونی در تاریخ ۲۵ شهریور اعلیحضرت بدوستاندار فرمودند که نخست وزیرشان مایلند مذاکرات راجع بموضوع نفت را مجدداً افتتاح نمایند. اگرچه پیشنهادات جناب آقای نخست وزیر که از طرف اعلیحضرت همایونی بدوستاندار اعلام شد بنظر دوستاندار زمینه مناسبی را برای مذاکرات در واقع نوید نمیداد معذالک از لحاظ احترام با اعلیحضرت همایونی دوستاندار موافقت نمودم که اگر دولت ایران پیشنهادات خود را روی کاغذ بیاورند عیناً جهت دولت متبوعه خود ارسال دارم. عصر روز ۲۷ شهریور آنجناب ورقه ای را بدوستاندار تسلیم فرمودند که باید متذکر شوم روی کاغذ رسمی نبوده و دارای تاریخ و امضا نیز نبوده است. این ورقه نه تنها پیشرفتی نسبت برویه سابق دولت ایران نشان نمیدهد بلکه بیشتر حاکی از برگشت از آن میباشد و بعلاوه از آن ظاهر میشود که نظریاتی را که آقای هریمین بیان نموده اند در نظر گرفته شده باشد و شامل نکاتی که از فرمایشات ملوکانه استنباط شد که آقای دکتر مصدق اکنون پیشنهاد خواهند کرد نیز نبوده است. در واقع جواب مطالب این ورقه در نامه ای که آقای هریمین بعنوان آقای دکتر مصدق نوشته و مورد موافقت کامل اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد داده شده است. بنا برین متأسفانه باید باستحضار خاطر آنجناب برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند ورقه مزبور را سند رسمی تلقی کند و محتویات آنرا هم نمیتواند اساس و زمینه ای قرار دهد که بروی آن بتوان مذاکرات را از نو آغاز نمود امضا - شپرد بنا براین دولت در اجرای تعهدی که راجع به تعیین تکلیف قطعی کارشناسان خارجی در مجلس سنا و شورا نموده بود بیست مدیره موقت دستور داد فوراً بهریک از کارشناسان انگلیسی اطلاع دهند که چون تاکنون حاضر بقبول خدمت

در شرکت ملی نفت ایران نشده‌اند و حضور آنها در خوزستان برای شرکت ملی نفت منشأ اثر نیست دیگر دلیلی برای ادامه اقامت آنها وجود ندارد و باید در ظرف یک هفته وسایل حرکت خود را فراهم نمایند . »
در خلال این احوال دولت انگلستان چند اقدام اقتصادی بر علیه ایران کرد که بقرار زیر است :

در تاریخ ۱۸ شهریور خزانه داری انگلستان اعلام داشت که نظر به قطع مذاکرات راجع بحل قضیه نفت مزایای استثنائی را که تاکنون در باره ایران رعایت میکرده و عبارت بوده است از تبدیل لیره بدولار از آن تاریخ ب بعد موقوف خواهد داشت و داد وستد های لیره با ایران در آینده موکول با اجازه خزانه داری انگلیس خواهد بود . و نیز در اعلامیه خزانه داری انگلستان ذکر شده بود که چون نفت ایران در گذشته کمک عمده ای باقتصاد انگلستان میگردید خرید بعضی کالا های کمیاب از انگلستان که بطور عادی مضمول پروانه صدور بوده و در مورد ایران بدون پروانه صادر میشده است در آینده موقوف خواهد شد . دو روز بعد یعنی در تاریخ ۲۰ شهریور وزارت خارجه انگلستان اعلام داشت که از لحاظ حفظ منافع اقتصادی انگلستان دولت مزبور تصمیم گرفته است سه هزار تن ریل و دو هزار تن شکری که از انگلستان برای ایران حمل شده است در راه متوقف ساخته و بکشتیا دستور داده است که کالا های مذکور را بانگلستان برگردانند .

روز چهارم مهرماه سفیر کبیر انگلیس در تهران یادداشتی بدولت ایران تسلیم بر علیه تصمیم دولت در باره لغو جواز اقامت کارشناسان انگلیسی اعتراض نمود و مسئولیت عواقب امر را بعهده دولت ایران گذاشت . همان روز هیئت وزیران انگلستان جلسه ای تشکیل داده و تصمیم گرفتند که نخست وزیر انگلیس تلگرافی بر رئیس جمهور امریکا نموده و از او درخواست مساعدت نماید . درین تلگراف نخست وزیر گفته بود که اگر کارشناسان انگلیسی از ایران اخراج گردند لطمه ای به حیثیت و آبروی انگلستان در خاورمیانه وارد خواهد شد و راه دیگر این است که انگلستان متوسل به نیروی نظامی شود تا از اخراج آنها جلوگیری نماید . رئیس-جمهور فوری جواب داده و بدولت انگلستان توصیه نمود که از بکار بردن قوای نظامی خودداری نماید و علاوه نمود که اگر انگلستان مبادرت بچنین کاری نماید دولت امریکا از آن پشتیبانی نخواهد کرد . همانروز رئیس جمهور امریکا بدولت ایران توصیه نمود که از تصمیم خود عدول نماید زیرا اجرای آن موجب خواهد شد که حل قضیه نفت رامشکل تر سازد .

(۱) بطوریکه جراید انگلستان می نوشتند یک چهارم دولاری که انگلستان از تجارت خارجی خود بدست می آورد از فروش نفت ایران عاید آن کشور میگشت.
(۲) شرح فوق راجع بتلگراف نخست وزیر انگلستان وجواب رئیس جمهور امریکا از روزنامه San Francisco Chronicle مورخه چهارم مهرماه ۱۳۳۰ صفحه ۵ نقل شده است .

روز چهارم مهر ماه پالایشگاه آبادان از طرف سربازان ایرانی اشغال شد و ورود خارجیان بآن منع گردید. روز هشتم مهر ماه وزارت خارجه انگلستان اعلام داشت که کارشناسان انگلیسی از آبادان خارج خواهند شد و روز دهم مهرماه همه آنها خارج شده و عازم بصره گردیدند.

بخش ششم - شورای امنیت

روز پنجم مهر ماه وزارت خارجه انگلستان اعلامیه مفصلی در لندن منتشر کرده و پس از شرح وقایع گذشته و اقداماتی که برای حل قضیه نفت صورت گرفته بود اشعار داشت که تصمیم دولت ایران در باره اخراج ۳۵۰ نفر کارشناسان انگلیسی مخالف اصول بین المللی میباشد و با وجود اینکه چنین تصمیمی بکار بردن قوای نظامی را برای حفظ منافع انگلستان موجه می سازد معینا دولت انگلستان برای آنکه قدرت ملل متحد را پایدار سازد از اقدام بچنین امری خودداری خواهد نمود و قضیه را به شورای امنیت احاله خواهد داد و در عین حال متوسل بهر گونه اقدام عملی خواهد شد تا آنکه ایران نتواند نفت را بدیگران بفروش رساند. همانروز دولت انگلستان طی نامه ای به شورای امنیت اطلاع داد که چون دولت ایران اقدامات تأمینی که از طرف دیوان بین المللی دادگستری در خصوص شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین شده رعایت نکرده است تقاضا دارد که موضوع مزبور در دستور شورا ثبت گردد. و نیز تقاضا نمود که چون دستور اخراج کارشناسان انگلیسی روز یازدهم مهر عملی خواهد گردید جلسه شورای امنیت برای رسیدگی یابین موضوع در تاریخ ۸ مهر تشکیل گردد.

در جلسه هشتم مهر شورای امنیت نمایندگان روسیه شوروی و یوگوسلاوی اظهار داشتند که مسئله ملی کردن صنعت نفت در ایران واقامت اتباع خارجه از جمله موضوع هائی است که منحصرأ در صلاحیت ملی ایران و مربوط بامور داخلی آن کشور میباشد که شورا حق دخالت در آن را ندارد. نمایندگان ترکیه و فرانسه و هندوستان و اکوادور و چین موافق بودند که قضیه در دستور قرار گیرد و پس از شنیدن دعاوی طرفین شورا در باب صلاحیت خود تصمیم بگیرد. نماینده انگلیس با توجه بوضع شورا و مخالفت شدید نمایندگان شوروی و یوگوسلاوی فوری متوجه شد که ممکن است تقاضای او مورد قبول همه اعضاء شورا واقع نگردد و عنوان کرد که طبق ماده ۳۵ منشور هر يك از اعضای سازمان ملل متحد حق دارد در مورد هر گونه اختلافی که صلح و امنیت بین المللی را بمخاطره اندازد توجه شورای امنیت را بدان جلب نماید و لذا تقاضا کرد که شورا باستناد ماده ۳۵ باین اختلافات رسیدگی نماید. پس از این اظهار رئیس شورا موضوع ثبت کردن شکایت دولت انگلستان را در دستور

روز برای اعضا واگذار کرد و بجز نمایندگان شوروی و یوگوسلاوی که اصولاً با ثبت موضوع هم مخالفت کردند نمایندگان سایر دول رأی موافق دادند و لذا با نه رأی موافق و دو رأی مخالف موضوع در دستور شورا وارد گردید. سپس رئیس شورا از نماینده ایران دعوت کرد که در جلسه حضور بهم رساند و نماینده مزبور اظهار نمود که چون دولت وی نمایندگان مخصوصی به شورا اعزام خواهد داشت که جواب دعوی انگلستان را بدهند لذا تقاضا دارد که طرح قضیه برای ده روز بتعویق افتد و چند روز بعد هم رئیس شورا اطلاع داد که چون نخست وزیر ایران شخصاً به نیویورک خواهد آمد که در جلسه شورا شرکت نماید لذا تقاضا دارد که طرح مسئله پنج روز دیگر بتعویق افتاده و موکول به ۲۲ مهرماه شود.

روز هفدهم مهرماه دولت انگلستان عرض حالی بدیوان بین‌المللی داد گستری در لاهه تقدیم و تقاضا کرد که دیوان مزبور اعلام دارد که لغو امتیاز شرکت نفت و امتناع از ارجاع اختلاف بدواری چنانکه در امتیاز نامه مقرر شده است موجب محرومیت شرکت نفت از اجرای عدالت بوده و باعث نقض قوانین بین‌المللی شده است.

علاوه بر اقدام فوق دولت انگلستان در قطعنامه اولیه خود که بشورای امنیت پیشنهاد کرده بود تجدید نظر نموده و مدعی شد که چون اخراج کارشناسان انگلیسی از آبادان عمل انجام یافته ای است اکنون قضیه شکل دیگری پیدا کرده و لهذا لازم است که در قطعنامه پیشنهادی خود تجدید نظر نماید. قطعنامه دومی که تصویب آنرا تقاضا کرد این بود که مذاکرات بین دولتین بمنظور حل اختلاف طبق قرار تأمینی دیوان بین‌المللی داد گستری در اسرع اوقات انجام گیرد و در عین حال طرفین از هر گونه اقدامی که بروخامت وضع بیفزاید و بحقوق و دعوی هر یک از طرفین خللی وارد سازد خودداری نمایند.

پس از آنکه معلوم شد دولت انگلیس بشورای امنیت مراجعه کرده است نمایندگان مجلس شورای ملی که در اقلیت بوده و بادولت دکتر مصدق مخالف بودند در جلسه نهم مهرماه اظهار داشتند که: «بحکم سنت دیرین و نیاکانی خودمان که هر موقع ملت ایران با خارجی مواجه شده اختلافات داخلی را کنار گذاشته است و همین حقیقت بارز بوده است که ما را در برابر سیل حوادث قرنها حفظ کرده و همه رفقای اقلیت بدون استثناء تصمیم گرفتند که موقتاً تاموضوع نفت ایران در شورای امنیت مطرح است از روش اقلیت و شأن اقلیت که انتقاد و حمله بدولت است صرف نظر بکنند و موقتاً سکوت کنند و دولت را درین موقع که بایک دولت خارجی در کار نفت اختلاف دارد تضعیف نکنند.»

در جلسه یازدهم مهرماه مجلس شورای ملی نخست وزیر در باره دعوت شورای امنیت از دولت ایران چنین گفت:

«بطوری که استحضار حاصل فرموده اید ما را بشورای امنیت سازمان ملل متحد دعوت نموده اند. محافل رسمی و مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی انگلستان برآشفته و

متغیرند که چرا در ایران شرکت سابق نفت بعنوان شرکت استعماری نام برده میشود. اگر این شرکت استعماری نبود سیاست انگلستان در پشت سر آن قرار نداشت و این همه هیاهو در بارهٔ برجیده شدن بساط آن در محافل بین‌المللی برپا نمیکرد ... علی‌رغم تمایلات مادولت انگلستان خود را درین معرکه وارد کرده و هرروز مشکل تازه‌ای در کار ما ایجاد میکند و ما را از مرحله‌ای بمرحلهٔ دیگر میکشاند و بصورت جدیدی مورد تهدید قرار میدهد. ملتی که میخواهد با شرف و افتخار در دنیا زندگی کند و حقوق حقهٔ خویش را بدست آورد باید در برابر این مشکلات ایستادگی نماید و از این تهدیدها بیم و هراس بخود راه ندهد. اینجانب با تأیید خداوند متعال و بهدایت افکار عمومی ملت ایران و توجیحات ملوکانه و پشتیبانی نمایندگان محترم مجلسین با ارادهٔ محکم مانند یک سرباز و وظیفه‌شناس و فرمانبردار ملت درین سیکار وارد شده و مراحل صعوبت این راه بر مخاطره را طی کرده‌ام و اینک نیز مصمم تا وصول به هدف نهائی که چندان دور نیست از پای نشینیم و قریباً با هم‌راهان خود به قورشورای امنیت حرکت خراهم کرد و زبان حال ملت ایران در برابر افکار جهانیان خواهم بود.»

روز چهاردهم مهرماه نخست وزیر و هم‌راهان که چهار نفر آنها عضو هیئت مختلط بودند (دکتر متین‌دفتری، اللهیار صالح، بیات - دکتر شایگان) بسوی نیویورک عزیمت کرده و در جلسات شورای امنیت که از ۲۱ تا ۲۶ تشکیل شد مراجع بشکایت دولت انگلستان بحث نمود شرکت کردند. قسمت عمدهٔ مذاکرات شورای امنیت در جریان وقت منتشر گردید و دو کتاب هم دربارهٔ جنبه حقوقی قضیهٔ نفت ایران منتشر شده که جریان کامل مذاکرات شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری را شرح میدهد که مزاجهٔ بآن برای خوانندگان که بخواهند از جزئیات مذاکرات مزبور آگاهی یابند بسیار سودمند است.^۱

پس از مراجعت از امریکا دکتر مصدق گزارش بسیار مهمی راجع بمسافرت خود بامریکا در جلسهٔ سوم آذرماه ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی خواند که قسمتهائی از آن در زیر نقل میشود:-

«روزیکشنبه ۲۱ مهر اولین جلسهٔ شورای امنیت برای رسیدگی بشکایت بی‌اساس دولت انگلیس تشکیل شد. بهانهٔ انگلستان در عرض حال خود این بود که دولت ایران تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در باب اقدامات تأمینیه راجع بدعوای شرکت سابق نفت انگلیس را بموقع اجرا نگذاشته و امتناع دولت ایران از اجرای تصمیم مزبور ممکن است صلح دنیارا بخطر اندازد و بنا برین شورای امنیت باید باین کار رسیدگی کند و

(۱) یکی از این دو کتاب بفارسی نوشته شده و نامش «وقت ایران و مراجع بین‌المللی» میباشد که عزت‌الله یزدان‌پناه تألیف کرده و در سال ۱۳۴۲ در تهران بچاپ رسیده است. دیگری کنایی است بزبان انگلیسی که در سال ۱۹۵۴ در امریکا چاپ شده و مؤلف آن شخصی است بنام فوردر *The Anglo-Iranian Oil Dispute by Alan W. Ford* که نقش قانون را در روابط بین‌کشورها شرح میدهد.

دولت ایران را باجراء تصمیم دیوان بین‌المللی و ادار نماید. آقایان نمایندگان توجه فرموده‌اند که اولاً - دولت ایران بصلاحت دیوان بین‌المللی دادگستری معترض بود و این اعتراض با نجا کشید که دولت ایران قبول قضاوت اجباری دیوان را مسترد داشت. ثانیاً - دولت ایران صلح دنیا را مطلقاً بخطر نیانداخته بود و اگر دولت انگلیس ببهانه های بی اساس میخواست دخالت مسلحانه کند و صلح دنیا را بخطر اندازد بدولت ایران ایرادی وارد نبود. کار هیئت نمایندگی در شورای امنیت این بود که عدم صلاحیت شورای امنیت را در رسیدگی باختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق نفت که دولت انگلیس خود را بدون حق وارد آن نموده بود با ثبات رساند. درین زمینه دلائل دولت ایران را در رد صلاحیت شورای امنیت بتفصیل در همان جلسه اول بیان نمودم ضمناً از موقع استفاده کرده سوابق کار نفت ایران و مظالم شرکت سابق و تجاوزات عمال آن شرکت در مداخله بامور داخلی ما و غارت عوائد نفت و محروم ساختن ملت ایران از حد اقل زندگی و سرپیچی شرکت از تعهداتی که بموجب امتیازنامه داری و قرارداد مخدوش ۱۹۳۳ بمپده داشته و همچنین آمال و آرزوی مشروع ملت ایران را که میخواهد ازین بیعد از استقلال کامل سیاسی و اقتصادی خود برخوردار باشد و باعزم راسخ و سائل رفاه و آسایش و ترقی و سعادت خود را فراهم کند و مخصوصاً بهیچ دولتی اجازه مداخله در امور داخلی خود را ندهد بسمع شورا رساندم یعنی از یکطرف شرکت سابق را چنانکه باید بشورای امنیت و از آنجا بعموم مردم دنیا و مخصوصاً بملت امریکا معرفی کردم و از طرف دیگر تحولی را که ملت رشید ایران بآن دست زده بدنیای متمدن اعلام داشتیم. دیگر از مطالبی که در آنجا اظهار شد چگونگی ملی شدن صنعت نفت در ایران و علل و اسباب آن و پیشنهاد های مکرر دولت ایران بشرکت سابق در باب رسیدگی عادلانه بدعاوی طرفین و فروش نفت با شرایط مساعد بنحوی که در قانون پیش بینی شده بانگلستان و همچنین استخدام و نگاهداری کارشناسان انگلیسی بود. پیشنهاد اخیر یعنی استخدام کارشناسان تاروز حرکت آنها از ایران پیوسته مورد تأیید دولت ایران بود ولی البته فعلاً دیگر مورد ندارد. جلسات شورای امنیت در باب کار نفت در ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ مه‌رمه تشکیل شد و در جلسه آخر چنانکه باطلاع آقایان رسیده است برخلاف تقاضای انگلیس شورا از لحاظ آئین نامه داخلی خود مقررداشت که تادیوان بین‌المللی دادگستری راجع بصلاحت خود اظهار نظر ننموده موضوع مسکوت بماند. بنا برین رجوع بشورای امنیت بضرر دولت انگلیس تمام شد و مأموریت هیئت نمایندگی ایران خاتمه یافت. معذالک چون آقای ترومن رئیس جمهور ممالک متحده از اینجانب قبل از حرکت از ایران دعوت نموده بود که او را ملاقات کنم بواشنگتن رفتم که از آنجا هرچه زودتر بایران مراجعت نمایم. در ملاقات آقای ترومن پس از یک سلسله مذاکرات مقدماتی در موضوع نفت قرار برین شد که اولیای وزارت امور خارجه امریکا درین خصوص با اینجانب تماس بگیرند. متعاقب آن آقای آچسن وزیر امور خارجه در بیمارستان اینجانب را

ملاقات نمود و چون فردای آنروز برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم پاریس بود آقای مک گی معاون وزارت امور خارجه را معرفی کرد که درین باب با اینجانب و انگلیسها در تماس باشد ولی تماسی که ایشان با طرفین گرفتند و مساعی که در تهیه پیشنهاد مرضی الطرفین بعمل آوردند نتیجه مطلوبه نرسید زیرا انگلیسها کاری جز طفره و غرضی جز ماطله نداشتند. ضمناً انتخابات انگلستان و تغییر دولت نیز وسیله خوبی برای گذراندن وقت بدست آنها داد. درینجا باید صریحاً عرض کنم که سیاست انگلستان از اول هم همین بوده که با طول زمان دولت و ملت ایران را از پای در آورد. انگلیسها چنانکه مکرر نوشته و گفته اند منتظرند دولت فعلی سقوط کند و دولت دیگری روی کار بیاید و مقاصد آنها را تأمین نماید. و اما مقصود و منظور غائی آنها در باب نفت این است که اولاً نفت کماکان بدست خود آنها تصفیه و حمل و توزیع شود و بهیچوجه حاضر نیستند صنعت نفت بدست ایرانیها باشد ولو اینکه از متخصصین خارجی هم کمک لازم بگیریم. ثانیاً میخواهند تمام نفت ایران منحصرأ با ثمن بخشی برطبق قرارداد بآنها واگذار شود. خلاصه میخواهند ظاهراً اوضاع تغییر کرده باشد ولی همان فوایدی را که از امتیازات ظالمانه و مخدوش سابق میبرده اند بطریق تازه ای ببرند. آقایان محترم انگلستان دو فایده عظیم ازین مملکت میبرده که حاضر نیست بسهولت دست از آنها بردارد یکی فایده سرشار مادی و دیگری تسلط و نفوذ بر تمام ارکان این مملکت که ضمناً استیلای آنها را بر خاورمیانه نیز کاملاً تأمین نماید. فایده مادی که انگلستان تاکنون برده است بالغ بر پنج میلیارد دلار است و حال آنکه در تمام این مدت مجموعاً بدولت ایران قریب ۱۱۰ میلیون لیره پرداخته اند. تسلط آنها بر ارکان مملکت محتاج بتوضیح نیست آقایان بهتر از من بجزئیات سیاست انگلستان در ایران و دخالتهای نامشروع آن دولت توسط عمال شرکت نفت واقف هستند. بدیهی است که اینجانب نمیتوانستم نظریات آنها را که معایر با قوانین مصوبه و مخالف آمال و آرزوهای ملت مبارز ایران بود بپذیرم. در تاریخ ۲۱ آبان نظر باینکه قصد مراجعت داشتم نامه ای بآقای ترومن که در خارج واشنگتن بود نوشتم. در آن نامه طبعاً از سوابق کار نفت شهای ذکر شد. در باب اوضاع فعلی ایران نیز شرحی نوشته اجمالاً اظهار داشتم که این وضع از زمان جنگ بین الملل دوم شروع شده خلاصه پس از ذکر اوضاع ایران و مخصوصاً برای اینکه جای ابهام برای هیچکس باقی نماند صریحاً تقاضا کردم قرضه ای بدولت ایران بدهند تا در صورت حاضر شدن زمینه مراتب برای تصویب قوه مقننه بعرض مجلسین برسد که بتوانیم در ظرف یکسال اوضاع مالی خود را سر و صورتی داده

و چرخهای اقتصادی کشور را براه اندازیم^۱ آقای ترومن در جوابی که داد نوشته بود در باب قرضه دولت امریکا موضوع را « بدقت مورد توجه قرار خواهد داد ». این نکته را ناگفته نماندیم که علاقه و منافعی که پاره‌ای از دول بزرگ در نفت خاورمیانه دارند بی تأثیر در مشکلات کار نبوده و برای اینکه نمونه ای ازین طرز فکر بدست آید بی‌مناسبت نمیدانم ترجمه مقاله یکی از روزنامه های مهم امریکا « نیویورک تایمز » را باستحضار برسانم . نیویورک تایمز مینویسد : « انگلیسها باید فعلا بیش از يك میلیون دلار روزانه بعلت از دست دادن نفت ایران پرداخت نماید . آنها مایلند يك شرکت بین‌المللی برطبق قراردادی که با دولت ایران منعقد میشود اداره نفت ایرانرا بعهده بگیرد . بنظر لندن تا دکتر مصدق سر کار است فیصله امر میسر نیست. میگویند جانشین او معتدل خواهد بود . بعقیده آنها اظهارات راجع بخطر کومونیزم اغراق آمیز است . انگلیسها برای جلب کمک امریکائیا میگویند اگر تسلیم دکتر مصدق بشوند در خاورمیانه و مخصوصا در عراق و عربستان سعودی که شرکتهای امریکائی در آنجا مشغول کار هستند مشکلات ایجاد خواهد شد. در مذاکرات واشنگتن دولت امریکا بین طرفین گرفتار شده بود زیرا از طرفی خطر کومونیزم را در ایران بی اهمیت تلقی نیکرد و از طرفی دیگر نیشخواست با انگلیسها مخالفت کند و نه میل داشت برای خرید نفت بآنها دلار بپردازد زیرا بالمآل این پول از جیب خود امریکائیا درمیآید . با این اشکالات مختلف و متنازع دولت امریکا قادر نبود راه حلی را از پیش ببرد . » - در ضمن مذاکرات نفت و اقامت در واشنگتن لازم دیدم در باره معاملات ارزی و قرضه هایی که دولت ایران سابقا از بانک های امریکا تقاضا کرده بود نیز اقدام کنم و همچنین با اشخاصی که حاضر برای خرید نفت یا کمک فنی یا مالی بودند یا بوجهی از وجوه بایران اظهار علاقه مینمودند و دلیلی بر علاقه آنها مشهود بود ملاقات و مذاکره نمایم . شرح

(۱) عین متن نامه دکتر مصدق بترومن در قسمت مربوط بتقاضای قرضه که در نطق مجلس او ذکر نشده بقرار زیر است :

« اما وخامت اوضاع اقتصادی ما فحلاطوری است که اگر يك چاره فوری نشود جریان امور مملکت دچار تشنج و اختلال خواهد شد و خدای نخواستہ اوضاعی ممکن است پیش آید که برای صلح جهان که مورد علاقه آنحضرت است خالی از خطر نباشد و قهرآعواقب وخیم پیش آمدهائی که درجریانات و اوضاع جهان تأثیر دارد دولت امریکارا دچار مشکلات خطیر می‌کند و امر با توجه به سئولیتی که دولت امریکا در امور بین‌المللی بعهده دارند همیشه علاج واقعه را قبل از وقوع بفرمائید حتما کم زحمت تر و کم خرج تر خواهد بود . در اینصورت تصویری کنم که هرگاه از محل همین اعتبار مهمی که باختیار آنحضرت گذاشته شده یا هر محل سهل الحصول دیگری که مقتضی بدانید يك مساعدت فوری و مؤثری بکشور ایران بفرمائید بسیار موقوع و لازم خواهد بود . و اینکه تقاضای کمک از اعتبار مذکور می‌کنم علت آن این است که این يك اعتبار مصوب و آماده است و بطوری که از مذاکرات شفاهی استنباط شده گرفتن هرگونه وام دیگری فورمالیته هائی دارد که نتیجه آن بزودی حاصل نمی‌شود و الا مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کارگشائی فوری که بفرمائید از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد تا کید بیش از این را زائد دانسته و انتظار دارد در صورت امکان از تصمیمی که اتخاذ می‌فرمائید اینجانپرا قبل از حرکت از واشنگتن قرین استحضار و امتنان فرمائید . »

این مطالب مفصل است بعلاوه غالب آنها هنوز خاتمه نیافته . درینجا برای اطلاع نمایندگان محترم بچند اقدامی که به نتیجه رسیده یا در شرف انجام است اشاره میکنم . ۱ - معامله ارزی با صندوق بین المللی پول - چون دولت ایران عضوصندوق بین المللی است حق دارد برای رفع اشکالات ارزی خود بآن مؤسسه رجوع کند . فعلا صندوق ۸۷۵۰۰۰۰۰ دلار در سه قسط که قسط اول آن نقد و دو قسط دیگر در ظرف دو ماه هر قسط بفاصله بیست روز ببانک ملی ایران بپردازد و بانک معادل قیمت ریالی این مبلغ را بحساب بستانکاری صندوق میگذارد . این معامله بهمین صورت پس از دو ماه مجدداً میسر است . باید توضیحاً عرض کنم که این عمل راصندوق نسبت باعضای خود بصورت عادی و طبق اساسنامه خود انجام میدهد وعنوان وام ندارد و یک معامله بانکی ساده و معمول است . ۲ - قرضه از بانک صادرات و واردات - باین قرضه که مبلغ آن ۲۵ میلیون دلار ومخصوص اصلاحات کشاورزی وراه سازی و عمرانی است اصولاً موافقت شده و شرایط آن برطبق قانونی که ازمجلس شورای ملی گذشته تهیه گردیده و اینک در شرف انجام است . ۳ - کمکهای راجع باصل چهار ترومن - کمک اصل چهار برای عمران بطورکلی از قبیل برق ولوله کشی و آبیاری و غیره است . آقای وارن معاون سابق وزارت کشور امریکا مأمور این کار شده . سال گذشته از پانصد هزار دولاری که میتوانستیم از این ممر استفاده کنیم فقط دویست هزار دلار گرفته شده . امسال قرار است ۲۳ میلیون دلار کمک کنند . امیدوارم امسال بر خلاف سال گذشته تمام این اعتبار بصرف برسد و از آن کاملاً استفاده شود ملت ایران درین مبارزه حیاتی تمام مساعی ممکنه را بعمل آورده که با انگلیسها به ترتیبی که با شرافت و شئون ملی او سازگار باشد کنار بیاید و قرار کار را بطریقی که هم خود او هم مللی که تا کنون از نفت ایران استفاده میکرده اند بتوانند منصفانه و عادلانه از نفت ایران بهره مند شوند بدهدولی متأسفانه از مساعی او در جلب موافقت دیگران تا کنون نتیجه ای چنانکه باید حاصل نشده . اکنون وظیفه ملی مردم این مملکت است که دامن همت بکمر زنند و مستقلاً و بیاری خدا باصلاح امور خود بپردازند آقایان محترم در این مبارزه عظیم حیاتی بهیچوجه نباید در اراده ما رخوت و نتوری حاصل شود زیرا مشکلات طرفین تقریباً مساوی است . اگر ما احتیاج بعوائد نفت خود داریم دیگران هم بهممان اندازه نفت ما نیازمند هستند . اگر بودجه ما از تعادل خارج شده و اصلاح آن مستلزم فداکاری است دیگرانهم از همین جهات با مشکلات عظیم دست بگریانند . اگر ما باید در زندگی خود صرفه جوئی کنیم و چندی با عسرت و سختی روبرو شویم آنها هم بهمین مشقات و زحمات دچار هستند . بنابراین دایل ندارد که درمبارزه خود غالب نشویم . این نکته شایان عنایت مخصوص است که درین مبارزه بین حق و باطل چون حق با ماست بیاری خدای بزرگ فتح هم با ما خواهد بود . «

بیانات فوق که بسیار مهم و جامع بود چند نکته را واضح میساخت. اول آنکه طرح قضیه در شورای امنیت فرصت بسیار مناسبی برای هیئت نمایندگی ایران بود که مطالب خود را در يك مرکز مهم بین‌المللی اظهار بدارد و تبلیغات وسیعی که بضرر ایران شده بود خنثی نماید. دوم آنکه نخست وزیر و همراهان او درین سفر تماس بیشتری با سیاستمداران امریکا و متصدیان شرکتهای نفت امریکا پیدا کرده و تا اندازه‌ای مستحضر شدند که کارتل قوی و نیرومند نفت هیچگاه حاضر نخواهد شد که درآمد نفت ایران از درآمد کشورهای نفت خیز خاورمیانه افزونی یابد. سوم آنکه اعتقاد راسخ اولیای امور وقت باین که دنیای آزاد باندازه‌ای محتاج نفت ایران میباشد که همه شرایط دولت ایران را برای بدست آوردن نفت قبول خواهد کرد تاحدی متزلزل گشت. چهارم آنکه شرکتهای بزرگ نفت امریکا حاضر نبودند که برخلاف تعهدات خود در کارتل جانب شرکت نفت ایران وانگلیس را رها کرده و بیاری ایران برخیزند. رویهمرفته نطق نخست وزیر حاکی از این بود که اقدامات او در شورای امنیت توأم با کامیابی کامل بوده است ولی بواسطه مشکلات بسیاری که در راه او ایجاد کرده بودند اوضاع و احوال نوید این را نمیداد که جریان صدور نفت ایران سهولت انجام گیرد.

دولت انگلستان چنانکه از مندرجات چر اید انگلیس و بیانات سیاستمداران مسئول آن آشکار بود معتقد شده بود که هیچگونه سازشی با دولت دکتر مصدق امکان پذیر نیست و سعی وافی داشت که دولت مزبور سقوط نماید. هنگامیکه میسیون استوکس بایران آمد دکتر مصدق حاضر شد که گذشت عمده‌ای نموده و هیئت مدیره شرکت ملی نفت را از ایرانیان و کارشناسان خارجی تشکیل دهد و حتی تلویحاً قبول کرد که مدیرعامل انگلیسی را بخدمت قبول نماید که بر کارشناسان انگلیسی ریاست داشته و رابطی بین هیئت مدیره و آنها باشد تا کار بجریان افتد. این گذشت او کار را حل نکرد زیرا دکتر مصدق حاضر نشد که اصل تصنیف منافع را قبول نماید و کار به بن بست رسید. موقعیکه بامریکا رفت و ملاحظه کرد که نه تنها انگلیسها بلکه کارتل بین‌المللی نفت، که اعضای مهم آن امریکائی هستند، طرفدار جدی اصل تصنیف منافع میباشد و جز این طریقه دیگری را قبول نمیکنند کار از کار گذشته بود و دیگر باتمام تعهدات و نطقها و تبلیغاتی که دولت دکتر مصدق در مقابل مردم ایران کرده بود عدول از قانون نه ماده‌ای اجرای ملی شدن نفت برای او مقدور نبود. سوابق سیاسی دکتر مصدق، طرز عمل او، برنامه‌ای که برای دولت خود تنظیم کرده بود، شدت احساسات مردم که در برانگیختن و گرم نگاهداشتن آن دولت دکتر مصدق سهم بسزائی داشت، تعهداتی که ضمن نطقها و خطابه‌ها در مقابل مردم شده بود، اهمیت فوق‌العاده‌ای که پیشوایان جبهه ملی به حیثیات شخصی و آئینده سیاسی خود میدادند همه دست بهم داده و وضعی ایجاد شده بود که متصدیان امر توانائی بازگشت از آنرا نداشتند و ضمناً حاضر نبودند که کنار

رفته و بگذارند دیگری بیاید تا قضیه را در حدود امکانات تسویه نماید. از آن وقت ببعده سیاستهای مختلفی که در ایران تعقیب شد و تأیید آن در وقایع بعدی مشاهده گردید بقرار زیر بود :-

۱- انگلستان سعی میکرد که ایران را در فشار اقتصادی قرار دهد تا از رویه‌ای که آن اتخاذ کرده بود عدول نماید و راه این کار را سقوط دولت دکتر مصدق می‌پنداشت. تأیید این مطلب را در بیانات رسمی سیاستمداران انگلیس و مندرجات جراید آن کشور میتوان یافت.

۲- دولت شوروی علاقمند بود که هیچگونه سازشی با شرکت نفت و دول غرب صورت نگیرد و وضع اقتصادی ایران و خیم‌تر گردد و عدم رضایت توده مردم افزایش یابد و دولت دکتر مصدق سقوط نکند تا آنکه زمینه برای برقراری رژیم جمهوری دموکراتیک فراهم گردد. تأیید این سیاست هم در راه و روشی که حزب توده در پیش گرفته بود مشاهده میگشت.

۳- دولت آمریکا میل داشت که سازشی بین ایران و انگلستان در امر نفت بدست آید و نگرانی بسیار داشت که اگر چنین سازشی حاصل نشود وضع اقتصادی ایران و خیم‌تر شده و نفوذ کمونیست‌ها زیاد خواهد شد و ضمناً میل نداشت که سازش مزبور بطرزی انجام گیرد که منافع نفتی آنرا در سایر کشورهای نفت خیز خاورمیانه بخطر اندازد و بیش از نصف منافع عاید ایران گردد و ملی شدن بطرزی که دولت ایران میخواست سرمشتی برای دیگران شود. آمریکا حاضر بود که بایران کمک مادی در حدود معینی بنماید ولی نگران بود که چنین مساعدتی موجب آزرده‌گی انگلستان شود و شرکتهای بزرگ نفت آمریکا که عضو کارتل نفت بودند با شرکت نفت ایران و انگلیس هم‌آهنگی کرده و بوسیله اعمال نفوذ در دستگاه دولتی آمریکا مانع شوند که دولت ایران از مساعدتهای دولت آمریکا بطرز مطلوب و شایسته‌ای برخوردار شود. تأیید این نکات را در مندرجات بانفوذترین روزنامه آمریکا یعنی نیویورک تایمز که دکتر مصدق در نطق خود از آن نقل کرده بود و همچنین در اقداماتی که دولت آمریکا برای تسویه امر نفت ایران مینمود میتوان ملاحظه نمود.

۴- دولت دکتر مصدق سیاستی را در پیش گرفته بود که بواسطه خصوصیات اخلاق و افکار و روش سیاسی رئیس دولت نمیتوانست امکانات و واقعیات را در نظر گرفته تجدید نظری در سیاست خود بنماید و توانائی آنرا هم نداشت که از بحران‌های سیاسی و اقتصادی که در پیش داشت جلوگیری نماید. بعبارت دیگر هیچگونه انعطافی را قائل نبود و از روی ناچاری متوسل سیاست روزمره بود تا به بیند چه پیش می‌آید. با انگلستان مبارزه شدید و سرسختی را پیش گرفته بود که بعضی اوقات بمرحله عناد و ستیزگی میرسید. با آمریکا دوستی و موافقت میکرد تا کمک آنرا بدست آورد و در عین حال گاه‌گاهی جلو عملیات عناصر چپ را باز می‌گذاشت تا آمریکا را نگران کرده و تشویق بمساعدت نماید. با روسها هیچگونه صمیمیتی که

از حد معمول خارج باشد ابراز نداشت. و در سیاست داخلی هم چون از پشتیبانی افکار عمومی بهره مند بود مضایقه‌ای نداشت که برای کوییدن مخالفین خود متوسل بهمان وسایلی شود که سالها از آن انتقاد کرده و بآنها خرده گرفته بود. در نظر ارباب بصیرت واضح بود که چنین وضعی نمیتوانست برای مدت زیادی دوام یابد و آنچه بعد ازین وقت در ایران رویداد این نظر را تأیید کرد.

چند روز قبل از عزیمت دکتر مصدق از واشنگتن یعنی در تاریخ بیست و یکم آبان ماه وزارت خارجه آمریکا بیانیه‌ای صادر کرده و گفت: اگرچه در مذاکرات با نخست‌وزیر ایران پیشرفتهایی حاصل شده ولی متأسفانه دولت آمریکا باین نتیجه رسیده است که هیچگونه مبنا و اساسی که راه حل عملی و مناسبی را در قضیه نفت ایران نوید دهد حاصل نگشته است ولی با وجود این دولت آمریکا از هرگونه اقدامی که موجب توافق بین ایران و انگلستان بشود مضایقه نخواهد کرد. روز بعد دکتر مصدق در باشگاه ملی مطبوعات آمریکانطقی ایراد کرد و گفت که دولت ایران از دولت آمریکا تقاضای قرضه‌ای کرده است و گرچه مبلغ آن ذکر نکرد لکن شهرت داشت که تقاضای مزبور برای ماهی ده میلیون دلار برای مدت یکسال که جمعا ۱۲۰ میلیون دلار میشود بوده است.

پس از کامیابی حزب محافظه کار در انتخابات انگلستان دولت کارگر از کار برکنار شد و چرچیل دوباره نخست وزیر شد و مستر ایدن هم وزیر خارجه دولت جدید گردید. در تاریخ چهاردهم آبان جمله زیر در نطق پادشاه انگلستان هنگام گشایش پارلمان ذکر شده بود: « وزیران من کوشش خواهند کرد صدمه‌ای که به حقوق و منافع ما در ایران وارد آمده است مرمت نمایند. »

و نخست‌وزیر جدید در اولین نطق خود در مجلس مبعوثان چنین گفت:
« ما نمیتوانیم رفتار نامناسبی که در مورد نفت ایران با ما شده است قبول نمائیم و دولت انگلستان حاضر است درباره تسویه امر روی مبنای اشتراك مساعی عادلانه ای بمذاکره پردازد. »

و روز ۲۷ آبان مستر ایدن وزیر خارجه ضمن بحث در باره روابط خارجی دولت انگلیس شرحی راجع بقضیه نفت ایران گفت که حاکی از سیاست انگلستان بود و بقراری است:

« تاکنون خبر مهمی راجع به پیشرفت در حل قضیه نفت بمن نرسیده که بتوانم باطلاع نمایندگان محترم برسانم. آخرین خبری که درین مورد دارم سفر نخست‌وزیر ایران بواشنگتن است. اکنون دکتر مصدق بکشور خود مراجعت نموده و دولت آمریکا هم بیانیه‌ای راجع بمذاکرات با او منتشر کرده است که چون درجراید چاپ شده از تکرار آن خودداری میکنم و فقط متذکر میشوم که دولت انگلستان با متن بیانیه مذکور کمال موافقت را دارد. پرسش میشود که پس وضع حاضر راجع باین موضوع

چيست؟ و جواب آن اين است که صنعت عظيم نفت ايران اکنون تقریباً متوقف گشته و بنظر ميرسد که وضع اقتصادی ايران با شدت و سرعت رو بخرابی برود. لازم است درباره چند عامل مربوط بنظر دولت انگلستان توضیحی بدهم. ما نسبت بکوششهای خستگی ناپذير دوستان امریکائی خود سپاسگزاريم که سعی نموده اند در مذاکرات باد کتر مصدق مبنائی برای تجدید مذاکرات پيدانمايند. ما نیز راجع بخرابی روزافزون وضع داخلی ايران نگران ميباشيم. ما با کشور ايران دوستی ديرينه داشته و استقلال و سعادت کشور مزبور بايد همواره یکی از هدفهای سياست خارجی انگلستان باشد. ما نیز متوجه بعضی حقایق هستيم و نمايندگان محترم بايد همواره در نظر داشته باشند که پایه و اساس اختلاف کنونی احساسات عمیق و وسيع مردم ايران است که ميخواهند صنعت نفت ايران بطرزی اداره شود که زیانی برای استقلال سياسی و اقتصادی آن نداشته باشد و قسمت غير عادلانه ای از منافع حاصله از صنعت مزبور بخارج کشور نرود. اينگونه احساسات قابل ملاحظه ميباشد و در هر راه حلی که مآلاً برای اين مشکل در نظر گرفته شود بايد اين نکات بحساب آيد لکن آنچه را ما نمیتوانيم قبول کنيم همان طريقه هائی است که دولت ايران تاکنون برای رسيدن بمقاصد خود انتخاب کرده است. اگر بتوان مردم ايران را در باره حسن نيت اساسی اين کشور قانع نمود قدم بزرگی در راه تجدید حس اعتماد برداشته شده است ولی ايجاد چنین اعتمادی کار سهل و آسانی نيست و سعی و کوشش من اين خواهد بود که آنرا برقرار نمايم زیرا من کاملاً متوجه ارزش آن بوده و ميدانم هر راه حلی که پيدا شود منوط بآن خواهد بود. در عين حال لازم ميدانم اظهار دارم که دولت پادشاهی انگلستان حاضر است در هر موقع مذاکرات را برای اين اختلاف دردناک تجدید نمايد. ادامه اين اختلاف برای هيچکس سودی ندارد و اگر من هم اکنون عوامل اصلی را که بنظر ما برای رفع اختلاف لازم است بيان نمايم شايد کمک بآنانی باشد که طالب حل اختلاف مزبور ميباشند. اين عوامل سه گانه بوده و هيچکدام از آنها با اصل ملی شدن صنعت نفت ايران تناقضی ندارد. عامل اول که از همه مشکل تر ميباشد عملي بودن راه حل است و مقصود من از اين عملي بودن اين است که اقتصاد ايران بدون اينکه صنعت نفت آن کشور در تمام مراحل با کفایت تام اداره شود تأمين نيمگردد. اين اصل مربوط است به معادن نفت و به پالایشگاه و همچنين بسازمان فروش. مثلاً هيچ شرکتی (که ملیت آن تفاوتی نخواهد داشت) قادر باين نخواهد بود که برای مدت معينی تعهد توزيع فراورده های نفت را در بازارهای جهان بنمايد. مگر اينکه اطمينان داشته باشد که استخراج نفت از معادن و تصفيه آن در پالایشگاه در وقت معين و بقيمت باصرفه ای در دسترس آن قرار خواهد گرفت. باين لحاظ است که من اين عامل را از همه مشکل تر پنداشته ام. عامل دوم اين است که منافع صنعت نفت ايران بايد بطرز عادلانه ای بين ايران و کيسانی که منافع نفت آن را استخراج ميکنند تقسيم گردد و اين تقسيم بايد طوری باشد که اجازت دهد قيمت نفت ايران با نفت ساير نقاط رقابت نمايد. بنا بر اين بين قيمت

میخواست با امریکاییها نشان بدهد که چگونه با کومونیست مبارزه میکند ولی عوض مبارزه با کومونیست رفتند روزنامه های ضد کومونیستی را غارت و چپاول نمودند. »

دولت قبلا بتظاهر کنندگان اطلاع داده بود که از متینگ آنها جلوگیری خواهد کرد ولی صبح ۱۴ آذر متینگ تشکیل و زد و خورد شدیدی بین قوای انتظامی و تظاهر کنندگان در گرفت که پنج نفر کشته و بیش از دویست نفر زخمی شدند. بعد از ظهر آنروز گروهی که گفته میشد از طرفداران دولت هستند با ادارات جرایمی که مخالف دولت بودند حمله کرده و اثاثیه آنها را بغارت بردند.

در جلسه نوزدهم آذر مجلس شورای ملی نمایندگان اقلیت حملات بسیار شدیدی بدولت کردند. مثلا لیدر اقلیت خطاب بنخست وزیر چنین گفت :

« این نخست وزیر است یا هوچی یا انقلابی . نخست وزیر این حرف را میزند که من میروم با مردم حرف میزنم . شما ورق بزنید اوراق دموکراسی دنیا را به بینید یک همچو غلطی یک نخست وزیری در عرض کرده است ؟ حالا آمده از ما رأی میخواهد ، از ما پشتیبانی میخواهد ، آن اعمالش آن وضعیت مملکت آن قضیه ۲۳ تیر . چه بگویم رفتارش ، سکناتش ، اعمالش ، آن اداراتش . لاله الا الله . مملکت را با آتش کشانده و میخواهد بیش ازین بکشد . من نمیدانستم ایشان اینقدر جاه طلب است . این را فرض نمی کردم . میدانستم که از زنده باد و مرده باد خوشش می آید . می دانستم که هوچی است ولی جاه طلبی او را اینقدر نمی دانستم . من اینقدر فرض نمی کردم یک پیرمرد هفتاد و چند ساله ای که همیشه تمارض میکند وقتی وارد این مملکت میشود میرود زیر لحاف ولی در امریکا شلنگ و تخته میاندازد . این آدم اینقدر سماجت بخرج میدهد که من نمیدانم برای چی یک روز دکان نفت باز میکند ، هشت ماه میگذرد بعد می بیند غلط رفته مگر ول میکند . می بیند این دکان بسته شد دکان انتخابات باز میکند بعد دکان خبازی و دکان نعلبندی باز میکند برای اینکه مردم را فریب دهد . آقا آخرش چیست ؟ چه کردی برای این مملکت ؟ چه کردی درین هشت ماه جز بدبختی ، فلاکت ، نکبت ، دوئیت ، چه ایجاد کردی ؟ چیز عجیبی است ؟ من عرض کردم عقلم قاصر است . شما نمایندگان ملت که علی رغم ایشان نماینده اید بگوئید . او که شما را نماینده نمیداند . چاقو کشهای جلوی مجلس را نماینده میداند . ولی حق هم این است که باشما اینطور رفتار شود ، همین حق است . آقا روی سخنم با ایشان نیست ایشان معتقد باین حرفها نیست ، معتقد به مملکت نیست ، معتقد بنظم و آرامش نیست . او یک سرشت خاصی است . خدا یک مرضهایی گاهی برای تنبیه جامعه ایجاد میکند . دکتر مصدق هم یکی از آن امراض است که خدا برای ایران فرستاده است آقا دکتر مصدق بجان شما این مقامی که در آن شما نشسته اید اگر دنیا را

بدهند ارزشی ندارد که آدم به بیند خودش موجب انقراض و سقوط مملکت خودش است. يك مردی که ۷۰ سال بطلط آمده معروف شده اقلان خودت ازین استفاده کن مردم نکردند ، خودت استفاده ازین بکن . آخرچه بگویم ؟ ازجان مملکت چه میخواهی؟ میگوید من خلع ید کردم . خوب خلع ید کردی و نفت را هم کردی زیر زمین . تنها منبع عایدات این مملکت را که نفت بود جلوش را بستی حالا چه میگوئی؟

نخست وزیر پس از شنیدن نطقهای مخالفین خود نطق مفصلی در جواب ایراد نمود که حاوی مطالب بسیار مهمی بود . نقل تمام این نطق بواسطه طولانی بودن آن مقدور نیست ولی بعضی از قسمتهای آن در زیر نقل میشود :-

« درواشنگتن با آقای مك گئی مدت ۲۰ روز متجاوز یا ۲۶ روز حالا درست بخاطر ندارم همه روزه در تماس بودم و بعضی روزها اتفاق میافتاد که آقای ژرژ مك گئی دومرتبه بیدین من میآمدند و بسیار شخص مهربان و خیرخواهی بودند ولی متأسفانه مذاکرات ما بجائی نرسید و من آنچه حدس میزنم وحس میکنم چهار دلیل برای عدم موفقیت وجود داشت . دلیل اول این که دولت انگلیس نمیخواست دولت امریکا در کاری که راجع بایران و انگلیس است وارد مذاکره شود . دلیل دوم اینکه تغییر دولت کاری سبب شده که ما نتوانستیم نتیجه ای بگیریم زیرا حکومت کارگری حکومتی بود که ملی شدن صنایع را در مملکت خود قبول کرده بود ولی حکومت محافظه کار که بروی کار آمد قبل از انتخابات اظهاراتی نمود که برخلاف ملیت صنایع بود باین جهت دولت محافظه کار نمیتوانست بزودی برخلاف آنچه را گفته بود عمل بکند و باما قرارداد می منعقد کند . دلیل سوم این بود که در مذاکرات وقتی که میگفتند يك شرکت بیطرفی در ایران بیاید و کار نفت را اداره کند اینطور میگفتند که چون متخصصین انگلیسی عجبالتاً بیکارند باید یکمده ای از متخصصین انگلیسی هم در کار يك شرکت بیطرفی بایران میآید شرکت کنند . من بآنها گفتم از روزیکه من با این هیئت ایران وارد اروپا و امریکا شده ایم هر فردی از افراد، هر يك از رجال امریکا بما تبریک و تهنیت گفتند که ایران استقلال سیاسی خود را بدست آورده است و من هر قدر فکر میکنم برای

(۱) George C. McGhee یکی از معاونین وزارت خارجه امریکا که ریاست اداره روابط با کشورهای خاورمیانه را در آن وزارتخانه داشت . یکی از کمیته های کنتره امریکا موسوم به کمیته مخصوص برای رسیدگی به مؤسسات بازرگانی کوچک *Report of The Select Committee on Small Business* در گزارشی که بمجلس سنای امریکا داده و گزارش مزبور از طرف دولت امریکا منتشر شده است شرحی راجع بوساطت امریکا در قضیه نفت ایران دارد که ضمن آن میگوید : « مساعی دولت امریکا برای وساطت در قضیه نفت ایران بواسطه تقوؤ بلا تردیدی که کشورهای متحد امریکا در خاورمیانه دارد ممکن بود کاملاً مؤثر واقع گردد ولی لازم است متذکر گردید که مأمور رسمی دولت امریکا که در وزارت - خارجه عهده دار امور خاورمیانه بود نسبت بپیچ شرکت بزرگ نفت امریکا تعابلاتی داشت و این در صورتی است که نسبت دیگری باو داده نشود . و کارشناس اقتصادی موسوم به لوی که باهریمن پهران رفت در آن موقع حقوق بگیر از بعضی شرکت های تابعه پیچ شرکت مذکور بود . »

تحصیل این استقلال غیر از اخراج انگلیسها از جنوب ایران کار دیگری نکرده ایم . بنا برین اگر من حاضر شدم ملت ایران هیچوقت حاضر نیست استقلالی را که با این همه فداکاری بدست آورده است برایگان از دست بدهد . انگلیسها میتوانند در تمام نقاط کشور تجارت کنند ، توقف کنند ، ولی وجود انگلیسها و دخالت انگلیسها در نفت جنوب سبب خواهد شد که دنیا بملت ایران نسبت جنون بدهد . دنیا خواهد گفت ای ایرانی تو که برای حفظ استقلال سیاسی خود این همه تحمل مشقت و زحمت کشیده‌ای چطور شد که مجدداً راضی شده‌ای که انگلیسهای که در نفت جنوب بودند و خارج شدند مجدداً وارد ایران شوند . بنا برین اخراج انگلیسها در دست دولت بود ولی رجعت آنها در دست دولت نیست . من یقین دارم که ملت ایران هیچوقت راضی نخواهد شد که آنها بایران مخصوصاً برای کار نفت مراجعت کنند . در اثنائی که ما با ژرژ مک گی مذاکره میکردیم بانک بین المللی هم بوسیلهٔ سفارت کبیرای پاکستان بامن داخل مذاکره شد . بانک بین المللی اظهار میکرد که من برای اینکه کار نفت راه بیفتد حاضرم پولی وجهی بیاورم در اینجا و این کار را راه بیاورم . من بهیچوجه طالب امتیاز نیستم . من فقط میخواهم که کار نفت را که نمائند و در بازار بین المللی جریان پیدا کند . من هم با این قسمت اول موافقت کردم و بانک بین المللی بانکی نیست که ظاهراً مربوط بیکدی از دول باشد و بانک بین المللی نمیتواند از ما تعهداتی بگیرد این دولت بهیچوجه غیر از صلاح مملکت نظری نداشته است . این دولت هر کاری که کرده است روی مصالح مملکت بوده است و علت اینکه کار ما پیشرفت نکرد سوء سیاست شرکت سابق نفت بوده است اگر شرکت سابق نفت در دورهٔ باز دهم همین پنجاه درصد که الان حاضر است بایران بدهد قبول کرده بود من یقین دارم که هیچ اختلافی بین شرکت و ملت ایران نبود ولی شرکت یک سماجت هائی کرد . شرکت خواست که از این منابع ما بقدری استفاده بکنند که بایران هیچ ندهد . این بود که ملت ایران را عصبانی کرد و اما راجع باینکه چرا ما موفقیت کامل حاصل نکردیم اینجا لازم است عرض کنم که دولت امریکا گرنچه ظاهراً بآ دولت ایران هم آهنگی میکند ولی نمایندگان آندولت بقسمی در تحت تأثیر انگلیس هستند که نمیتوانند برای ایران کاری بکنند . من در اروپا سفرای امریکا را دیدم که همگی از رفتار وزارت خارجهٔ امریکا شکایت میکنند . از آن جمله آقای دریفوس ، آقای والاس مری ، آقای گریندی که اخیراً هم مقالاتی در جراید امریکا بفتح ایران و بر علیه وزارت خارجهٔ امریکا منتشر کرده است . بنده صاف و بی پرده عرض میکنم که آقای ژرژ مک گی بامن درین مدت ۲۵ روز مثل یک برادر صمیمی بود . آقای ژرژ مک گی تمام مطالب منطقی دولت ایران را تصدیق میکرد ولی همین تصدیق سبب شد که ایشان را بلافاصله مأمور سفارت آنکارا بکنند در امریکا که بودیم اگر یک سخنی در مجلس گفته میشد این را روزنامه هائی که هواخواه سیاست انگلیس بودند با آ ب و تائی انتشار میدادند و میخواستند برسانند که این دولت در مجلس و درین

(۱) البته خواننده باین قسمت بسیار مهم از بیانات دکتر مصدق توجه خواهد نمود .

مملکت هواخواهی ندارد اگرما استقلال سیاسی خودرا حفظ کردیم بطریق اولی میتوانیم استقلال اقتصادی خودرا حفظ کنیم . اگر آن حرفهایی که در روزنامهها مینویسند و میگویند که این دول توانستند نفت خودرا از منابع نفتی دیگر بدست آورند صحیح است آنها را باما چکار؟ ما که بخیل نیستیم . ما که حسادت نداریم که این دول بتوانند آنچه را که از ایران میبردند از راه دیگر بدست آورند . اگر این حرف صحیح نیست آنها مجبورند بیایند باما قراردادی منعقد کنند . پس اگر اختلافی بین ما دیدند قراردادی بنفع خود تنظیم میکنند و اگر دیدند ملت ایران دست بدست هم داده نه در مجلس شورایی نه در خارج هیچ اختلافی بین مجلسین و دولت نیست آنها هم مجبور میشوند که هر چه میگوئیم قبول کنند اگر این آقایانی که میتینگ دادند آقایان وطن پرستی هستند میبایستی درک بکنند که چنانچه برخلاف نظریات این دوات که امروز وارد يك کارمپی است ، وارد يك مبارزه ای است ، و در صلاح مملکت است که اقدامی نکنند . پس اقدام این آقایان اگر هم سوء قصد نداشتند بضرر ایران تمام شد و من بهیچوجه متأثر نیستم اگر به بعضی از اینها صدمه ای وارد شده باشد زیرا هر کس برخلاف نظامات رفتار بکند اگر دولتی هست باید شدیداً جلوگیری کند والا نظامات در مملکت برقرار نخواهد شد و موجب هرج و مرج میشود از قضیه بعد از ظهر پنجشنبه نه تنها دولت بلکه خدشاهنده است که تمام این افراد دولت متأسف و متأثر هستند . بعد از ظهر پنجشنبه کارهایی اتفاق افتاد که بهیچوجه مرضی دولت نبود و گمان هم نمیکنم که هیچکس از آقایان محترم هم باین عملیات رضا بدهند بنده میخواهم درین باب اکنون عرض کنم و حتی خدا را شهادت میطلبم که بهیچوجه مایل نبودم در انتخابات دخالت کنم ولی قضیه نفت سبب شد که من بمانم و در انتخابات هم دخالت کنم . مدتی که من بیشتر در امریکا ماندم ازین نظر بود که بکار نفت خاتمه دهم . متأسفانه همانطور که عرض کردم این کار انجام نشد . اکنون وجداناً فکر میکنم که اگر من بروم و اگر این کار نفت مطابق مرام و آمال ملی ایران انجام نشود لعنت ابدي را بر من خواهند کرد و خواهند گفت شما آمدید کاری را خراب کردید و نتوانستید بنایان برسازید . این است که من باحالت کسالت ، باحالت ناتوانی ، تانقسم درمیآید در اینجا میمانم بلکه بتوانم درباره نفت خدمتی که در نظر است بمملکت بکنم . حالا اگر تصور میکنند که از من خدمتی ساخته نیست و تصور میکنند که نظریات من برخلاف مصلحت مملکت است شما يك رأی آبی بمن بدهید من میآیم اینجا روی آقایان را می بوسم و مرخص میشوم . »

روز ۲۰ آذرماه دولت ایران نامه ای به ۱۲ سفارت کبرا و ۲۴ سفارت که در تهران نمایندگی دولتهای خود را داشتند فرستاده اشعار داشت که اگر افراد و شرکت هایی که تابعیت کشورهای مزبور را دارند تاده روز بعد برای معامله خرید نفت مراجعه نکنند دولت ایران آزادی عمل جهت فروش نفت بهر مشتری که تقاضا کند

خواهد داشت و درین صورت حق تقدیمی که در صورت تساوی شرایط طبق قانون اجرای ملی شدن نفت برای خریداران سابق منظور شده بود دیگر موردی نخواهد داشت. پس از اقتضای ده روز مذکور دولت انگلستان جواب داد «مادام که این قضیه در دیوان لاهه مطرح نشده است موضوع باید «تحت محاکمه» تلقی شود. بنا برین چون موافقتی راجع بعملیات صنعت نفت با دولت ایران موجود نیست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند با خرید نفت ایران بوسیله افراد ملت انگلیس موافقت کند و حق قانونی برای دولت ایران درباره فروش نفت برسمیت نمیشناسد.»

روز ۱۸ دیماه وزیر خارجه ایران یادداشتی بسفارت انگلیس ارسال و چنین نوشته بود :-

« برطبق گزارشهای واصله بدولت فعالیت و مداخلات صریح مأمورین دولت انگلستان در ایران در این اواخر شدت یافته و دولت متبوع دوستدار حاضر نیست بیش ازین تحمل این رویه نامطلوب را که برخلاف اصول دوستی و مقررات جاریه بین المللی است بکند و شدیداً بآن اعتراض مینماید و لزوماً یادآور میشود که چنانچه مأمورین آن دولت در ایران رفتار خود را تغییر ندهند دولت متبوع دوستدار ناگزیر خواهد شد تصمیمات جدی برای خاتمه دادن باین وضعیت نامطلوب اتخاذ نماید.»

درواز بعد سفارت انگلیس بعد از اینکه یادداشت مزبور در همان موقعیکه بسفارت داده شده در رادیو پخش شده است و این کار برخلاف نزاکت بین المللی بوده است عین آنرا برای وزارت خارجه پس فرستاد. در روز ۲۱ دیماه دولت یادداشت دیگری بسفارت انگلیس ارسال و تقاضا کرد که کلیه سر کنسولگریها و کنسولگریها و کنسولیاریهای انگلستان در تمام نقاط ایران بلا استثناء تاسی ام دیماه جاری منحل گردند. تقاضای دولت ایران در موعده مقرر انجام گرفت و دولت انگلستان هم سفیر خود را بلندن احضار کرد. در تاریخ ۲۹ دیماه دولت امریکا بدولت ایران اطلاع داد که معادل ۲۳ میلیون دلار بعنوان کمک اصل چهار در سال مالی که به ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ ختم میشود منظور اجرای کمکهای فنی در دسترس دولت ایران خواهد گذاشت. این کمک تأثیر بسیار مهمی در تحکیم امور سیاسی و اقتصادی دولت دکتر مصدق داشت.

بخش هفتم - پیشنهاد بانک بین المللی

هنگامیکه هیئت نمایندگی ایران در نیویورک بود پیشنهاد های متعددی برای حل قضیه نفت ایران بآن رسید. یکی از پیشنهاد های که به هیئت مزبور داده شد از طرف «اتحاد بین المللی شرکتهای تعاونی»^۱ بود. اتحاد مزبور یک سازمان بین المللی بود مرکب از شرکتهای تعاونی سی و نه کشور مختلف و مربوط به شورای اقتصادی و